



مردم اهواز به خاک و خون کشیده شدند و صدای اعتراضی شنیده نشد.

حتما شنیدید که مردم غیرتمند شهر اهواز، برای نه به جمهوری اسلامی گفتن و درخواست خواسته‌های بر حق خویش به خیا بانهای شهر آمدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. مامورین تا دندان مسلح جمهوری اسلامی به دستور ولی فقیه جنایتکارشان اقدام به سرکوب وحشیانه و جنایتکارانه تظاهرات مردم اهواز نمودند. هرچند این آتش به هیچ وقت خاموش نخواهد شد و دیر یا زود آتش خشم ملت‌های ایران دامن این رژیم جنایتکار را خواهد گرفت. مثل سایر دیکتاتورهای خون خور به زباله دان تاریخ خواهد رفت. آنچه از سران این رژیم بماند به دست عدالت سپرده و توسط دادگاه‌های مردمی محاکمه و به سزای اعمال خویش خواهند رسید. در این شکی نیست دیروز زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد. اما برای من جای تعجب این است که این تظاهرات که به شیوه ای وحشیانه سرکوب و قتل عام شد، طبق گفته شاهدین عینی دهها زخمی و تعدادی نیز کشته شده است، ولی به شکل مرموزی سنگ بر روی آن نهاده شد و چندان بازتابی حتی در رسانه های اپوزسیون نداشت. مدافعان حقوق بشر در غرب منجمله دولتهای آنها که هر روز برای مردم لیبی و تونس و مصر اشک تمساح میریزند سکوت را پیشه کرده و در این مورد چیزی نگفتند، انگار خون مردم ایران قرمز نیست و انگار که تظاهراتی بوده یا سرکوبی شده است در مملکت بی نگهبان ایران. من به نوبه خود درود میفرستم به مردم فهردان شهر اهواز و با جانباختگان و مصدومین این شهر ابراز همدردی میکنم. بایستی مردم ایران هوشیارانه اینگونه تظاهرات ها را سازماندهی کنند که در تمام شهرهای ایران مردم یکصدا به پا خیزند تا قدرت سرکوب از رژیم گرفته شود و توان سرکوب از آن سلب گردد. در هر صورت اگر تظاهرات هر از چند گاهی در شهری برگزار شود رژیم با خیال راحت آن را سرکوب خواهد کرد و چیزی نیز تغییر نخواهد کرد. دیروز در یک اقدام فرار به جلو سخنگوی جنایتکار وزارت خارجه رژیم رامین مهمان پرست به رژیمهای منطقه هشدار داد که به خواست مردمهای خود توجه کنند. واقعا مقامات این رژیم ددمنش حیا ندارند تا انسان بگوید حیا پس است. اگر یک زره حیا دارید چرا شما به خواست مردم ایران توجه نمی کنید؟ چرا مردم ایران را قتل عام می کنید و آنان را خار و خاشاک می پندارید. این رامین مهمانپرست چرا به رژیم سوریه چنین هوشداری را نمیدهد، مگر نمی بینید که در مقابل چشمان کورتان روزی چندین نفر از مردم سوریه توسط نیروهای بشار اسد به قتل می رسند. که طبق گفته منابع حقوق بشری سوریه تعداد کشته ها تا کنون از مرز ۲۰۰ نفر گذشته است!! بی گمان به سوریه و مقامات سوریه چنین توصیه ای نخواهید کرد، چون رژیم بشار اسد حامی و همپارشما جنایتکاران بوده و هست البته تا زمانی بر سر قدرت باشد.

مرگ بر دیکتاتور

سرنگون باد رژیم ددمنش جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی

بشیر

۱۹،۴،۲۰۱۱

انتخابات فنلاند و مشکلاتی که دولت آینده با آن روبرو است



همچنانکه در رسانهای فنلاند منعکس شده است تاریخ ۱۷،۴،۲۰۱۱ برای مملکت و مردم فنلاند روزی سرنوست ساز بود، چرا چون دولت آینده فنلاند با توجه به بحران اقتصادی در دنیا منجمله کشورهای اروپایی و همچنین برای خود فنلاند. دولت آینده بایستی در تمام این زمینها تلاش کند تا بتواند مردم و اقتصاد فنلاند را از بحرانهای منطقه که در حال گذار هستند جوری کنار این بحران اقتصادی نجات دهد و همچنین بیاید که مردم فنلاند از آن کمتر متضرر شوند. انتخابات امسال با تمام انتخابات دورهای قبل فرق میکند، چون در انتخابات دوره های قبل همیشه یا سوسیال دمکراتها و یا احزاب میانه بیشترین آرا را بدست آورده و دولت را تشکیل میدادند. اما امسال که چندان هم دور از انتظار نبود حزب ملی گرا یا فنلاندیهای اصیل که قبلا تنها ۵ نماینده در پارلمان را دارا بودند امسال توانستند ۳۹ کرسی پارلمان را از آن خود کنند و به قدرت چشم گیری دست یابند. در این انتخابات برای پارلمان ۲۰۰ نفره فنلاند ۵۲ درصد مرد و ۴۳ درصد زنها تشکیل میدهند. این جای خوشحالی است که در اینکشور دمکراسی زنها با تمام توان برای مشارکت در دولت و پارلمان با مردها در رقابت هستند. در این انتخابات حزب ائتلاف با موفقیت ضعیفی توانست با بدست آوردن ۴۴ کرسی به اکثریت برسد، حزب سوسیال دمکرات با ۴۲ کرسی دومین برنده و حزب ملی گراه یا فنلاندیهای اصیل با ۳۹ کرسی سومین برنده انتخابات امسال پارلمان فنلاند بودند. هرچند برای تشکیل دولت آینده فنلاند زود است نظری داده شود ولی بی گمان هر دولتی در آینده در فنلاند بر سر کار بیاید، با مشکلات زیادی روبرو خواهد بود و شاید هم دولت چندان پایداری نباشد، چرا چون حزب فنلاندیهای اصیل چه در دولت باشند و چه به عنوان اپوزسیون در پارلمان باشند برای دولت آینده در دسر ساز خواهند بود و میتوانند مانع از برنامه های دولت باشند. حزب فنلاندیهای اصیل با سیاست کمک مالی اتحادیه اروپا به کشورهای اروپایی که با مشکل مالی روبرو هستند مخالف میباشد که از این لحاظ تا حدودی سوسیال دمکراتها با آنها هم عقیده هستند. همچنین حزب فنلاندیهای اصیل با آمدن پناهجویان خارجی به فنلاند چندان علاقه نشان نمیدهند و میگویند خارجانی که در فنلاند هستند باید دارای کار و در آمد باشند. به هر حال برای چگونگی تشکیل حکومت و ائتلاف این احزاب با همدیگر باید منتظر زمان ماند . اما بهتر است در همین رابطه نظری به کاندیداهای خارجی یا غیر فنلاندی که خود را برای این انتخابات کاندید کرده بودند بیندازیم. در این انتخابات چندین کاندید غیر فنلاندی بودند که تا آنجایی که من میدانم دو نفر کرد یکی ایرانی و دیگری عراقی، ۷ نفر سومالی، یک نفر افغانی، یک نفر عرب از عراق و چندین کاندید دیگر بودند. دور از انتظار نبود که هیچکدام از این کاندیداها نتوانند به پارلمان راه یابند به دو دلیل ، اول اینکه این کاندیداها دارای انسجام و همکاری با رای دهندهها نبودند، انسانهای فعال و صاحب نفوذ در جامعه فنلاندی نیز نبودند، مثلا برای نمونه اگر سومالیها به جای ۷ کاندید یک کاندید را معرفی میکردند شانس بیشتری داشتند. به هر حال برای دولت آینده فنلاند آرزوی موفقیت دارم و امیدوارم بر مشکلات پیش روی خود فائق آید.

بشیر فنلاند
۱۹،۴،۲۰۱۱

نوشدارو بعد از مرگ سهراب!



این قانون طبیعت است که دیکتاتورها همیشه دیر از خواب غفلت بیدار می شوند. اولین قیامی که به نتیجه رسید و دیکتاتورش را از کشور فراری داد، مردم تونس بود. زمانی که آن جوان فداکار خود را آتش زد، بن علی به بیمارستان و به عیادت او رفت. بعدا مردم که به خیابانها آمدند و شعار بن علی برو را سر دادند، رئیس جمهور دیکتاتور که بیش از ۳۰ سال قدرت را در دستان یک نفر و یک حزب که به خودش متعلق بود، داشت، بر صفحه تلویزیون ظاهر شد و وعده یک سری اصلاحات را داد. ولی دیگر کار از کار گذشته بود. انقلاب که به مصر سرازیر شد و مردم چندین روز در خیابانهای قاهره شعار برو مبارک را سر می دادند، مبارک در تلویزیون ظاهر شد و گفت من ۶۰ سال به مصر خدمت

کرده‌ام و مصر مال مصریها است و قول داد که اصلاحاتی گسترده انجام دهد. ولی اینجا هم تازه کار از کار گذشته بود و مردم بر چیزی کمتر از رفتن مبارک راضی نبودند. و می بینیم که هم مبارک و هم فرزندانش همرا با اکثر اعضای دولتش در زندان و منتظر دادگاه برای رسیدگی به فساد و سرکوب مردمشان هستند. با ادامه انقلاب به لیبی و سوریه و یمن و سایر کشورهای دیگر وقتی مردم شعار برو دیکتاتور را سر می دادند دیکتاتورها با وعده‌های سر خرمن و بعضیها با انحلال دولت و وعده‌های اقتصادی به مردم که گویا تازه این خواب را دیده‌اند و طی سالیان متمادی در قدرت احتمالا نه عقل داشتند و نه می دانستند ملت خواهان دمکراسی و رفاه اقتصادی است، مردم را به وحدت و آرامش دعوت می کردند. در اوایل بحران لیبی، قذافی گفت: چرا بر علیه حکومت می جنگید، به جای این حرفها بیاید کمیته‌ای را تشکیل دهید و پول نفت را در بین خودتان تقسیم نمایید! گویا این مردم تازه به لیبی رسیده و این نفت هم تازه دارد استخراج می شود. دیکتاتور از پدرش دیکتاتورتر یعنی بشار اسد، بعد از ده‌سال وقتی قدرتش را در لب پرتگاه می بیند، دولت را منحل و به کردهای حسک تابعیت سوری میدهد!! قول میدهد که قانون وضعیت اضطراری که بیش از 60 سال بر سوریه تحمیل شده است را لغو کند! انگار تازه فهمیده که اینها یعنی مردم؟ هم حقی دارند و یا اینکه آنهایی که تا کنون سوری بوده‌اند چه آزادی و حقی داشته‌اند! تا حالا این کردهای تازه به رسمیت شناخته شده داشته باشند. دروغ نگفته‌اند دیکتاتور تا لب گور هم حاضر نیست امتیازی بدهد و وقتی به لب گور رسید دیگر همان نوشداروی بعد از مرگ سهراب است. اما از همه اینها بدتر اگر به دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی بنگریم می بینیم در شرایطی که از سوی ملت‌های تحت ستم دیکتاتورها و خودکامگان و نیز مبارزان راه آزادی و دموکراسی، برگ‌های جدیدی از تاریخ مبارزات منطقه با سرنگونی مبارک‌ها و بن علی‌ها نوشته می‌شود؛ حاکمان ایران درحالی از تربیون‌های داخلی و خارجی و درجوار مقام‌های بین المللی از حقوق انسان‌ها دم می‌زنند، که ملت‌های ایران تحت شدیدترین فشارهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی قرار دارند و از حقوق ابتدائی خویش محروم مانده اند و حاکمیت از طریق ایجاد فضای رعب و وحشت و اعمال یک حکومت امنیتی- پلیسی، جلوی فعالیت احزاب و گروه‌های منتقد سیاسی را گرفته و یا آن‌ها را منحل نموده، مطبوعات و روزنامه‌های آزادی خواه و مستقل را توقیف کرده و فعالان سیاسی و اجتماعی را بازداشت و زندانی کرده یا به سکوت وا داشته و یا مجبور به ترک از وطن نموده است. در نهایت رهبران جنبش سبز و همراهانشان را به صورت غیر قانونی در شرایط حبس خانگی قرار داده است. وقتی دم از حقوق مردم بحرین و سایر ملت‌هایی که دیکتاتورشان سرنگون شده است میزنند و حکومت‌های آنها را سرزنش می کنند، انگار خودشان نه سرکوب کرده، نه فعالان ملت‌های ایران را اعدام، شکنجه و آواره کرده‌اند! ویا اینکه مردمان ملت‌های داخل ایران نباید دارای حقوق انسانی خویش باشند."؟ اما از اینها که بگذریم، نباید فراموش کرد که یکی از اساسی ترین ضعف های مبارزات آزادیخواهانه و دموکراسی طلبانه مردم ایران دردهه های گذشته عدم وجود یک تشکیلات فراگیر در صفوف نیروهای مبارز مردمی در برابر انسجام نسبی نیروهای ضد مردمی بوده است. تلاش بی وقفه استبداد حاکم بر ایران برای تفرقه اندازی و ماهی گیری در اردوی نیروهای مبارز و دموکرات چنان بارز است که نیازی به توضیح ندارد. آنان بهتر از ما رمز موفقیت را که امام جنایتکارشان وحدت کلمه نامید دریافتند و بیخوبی و با تمامی امکاناتشان آنتی تز وحدت را که تفرقه باشد به میان طیفهای مختلف نیروهای مبارز برده اند و سیاست تفرقه بیانداز و حکومت کن را سالهاست در عمل اجرا می کنند. نمی دانم وقتی اپوزسیون، روشنفکران، این شگرد رژیم را و این عدم اعتماد مردم را دیده و می بینند و با تمام وجود حس می کنند چرا به خود نمی آیند؟ چرا از این همه بی اعتمادی مردم نسبت به خود درس عبرت نمی گیرند؟ بگذار اپوزسیون هم سقوط این دیکتاتورها را لمس کنند که قدرت اگر مردمی نباشد چندان پایدار نیست، پس به فکر قدرت تک حزبی و تک سازمانی خود نباشید، اگر آن را هم بدست بیاورید چندان پایدار نخواهید ماند. پس بهتر است به فکر قدرت مردم باشید و برای نیل به این هدف قبول کردن یکدیگر و مشارکت همه، در قدرت است.

همه دیدیم که وعده این دیکتاتورها نه تنها خللی در اراده مردم ایجاد نکرد بلکه آنان را بیشتر وادار کرد که به سوی سرنگونی پیش بروند و دیکتاتورهای کشورشان را برای همیشه از قدرت پایین بکشند. این بحران و این سرنگونی تنها به این کشورها ختم نمی شود که در حال حاضر درگیر در کشورهایشان هستند. بی گمان دیکتاتور سوریه هم رفتنی است، رژیم دیکتاتوری جمهوری

اسلامی به زباله دان تاریخ خواهد رفت و این امری حتمی و بدون برگشت است. دیکتاتورهای سایر کشورهای خلیج فارس هم به این درد دچار خواهند شد. اگر آنها می اندیشند که غرب یا آمریکا از آنها پشتیبانی خواهد کرد سخت در اشتباه هستند، چون تمام این دیکتاتورها که یکی پس از دیگری سرنگون می شوند از بهترین دوستان غرب بویژه آمریکا بوده اند و می بینیم که برای سرنگونی فوری آنها، غرب به چه تکاپوی افتاده است. این حرکت و این آزادی در راه است برای سایر کشورهای دیکتاتور زده. دیر و زود دارد و ولی سوخت و سوز ندارد. به گمان من باید مردم ایران به تمام این بدبختیهایی که این حکومت بر سرشان آورده است بیاندیشند، به پایداری مردم تونس، مصر، یمن، لیبی و سوریه بیاندیشند که خیابانها را ترک نگفتند و برای به دست آوردن خواسته‌های خویش سینه سپر می کنند. شکی در آن نیست که رژیم تا دندان مسلح ایران از هیچ شقاوتی دریغ نخواهد کرد، ولی مگر این سی و دو سال همین کار را نکرده است، پس بهتر است یکبار برای همیشه تکلیف خودمان را با این رژیم یکسره کرده و از شر آن خلاص شویم.

زنده با د آزادی

نابود باد استبداد

بشیر امیرخانی

فنلاند ۱۵،۴،۲۰۱۱



آیا جمهوری اسلامی با بحران سازی از سرنگونی نجات خواهد یافت؟

در چند ماه اخیر خیزشهای مردمی برای بدست آوردن خواستههای دمکراتیک خویش در کشورهای عربی به اوج خود رسیده و منجر به سرنگونی بعضی از حکومتهای خودکامه و دیکتاتور در منطقه شده است. ابتدا با خود سوزی جوانی دانشگاهی و بیکار و نا امید از زندگی، شورشهای تونس منجر به سرنگونی بن علی شد که بیش از ۲۵ سال حکومت استبدادی خود را بر مردم تونس تحمیل کرده بود. دیدیم که در یک چشم به هم زدن مردم به ستوه آمده تونس بساط او و وابستگانش را جمع کردند و کاری کردند که بن علی دست از پا درازتر به عربستان سعودی پناه ببرد. در پی آن مردم مصر، لیبی و میبیم در یمن سوریه و بحرین و اردن و ایران و خیلی از کشورهای دیگر مردم به خیابانها آمده و خواستار پایان دادن به عمر ننگین دیکتاتورها هستند. اما متاسفانه همچنانکه همه شاهد آن هستیم غرب بویژه آمریکا در این مدت و در رابطه با بحران در این کشورها برخورد دوگانه داشته اند و انگار حقوق بشر و دمکراسی کشوری تا کشوری دیگر برای آنان فرق می کند یا اینکه خون افراد در کشوری با کشور دیگر فرق دارد. که این جای بسی تاسف و نگران کننده برای آن دسته از مردمان کشورهای بی است که غرب زیاد در این منطقه از آنها پشتیبانی نکرده یا اگر هم کرده بسیار کم رنگ بوده است. من نمی خواهم در این مطلب به جزئیات آن اشاره کنم چون کمابیش همه از آن مطلع هستیم.

اما هدف از این نوشته، جمهوری اسلامی است که با حس کردن خیزشهای مردمی و سقوط یکی پس از دیگری دیکتاتورهای همدستش از قدرت، مقامات و دست اندرکاران نظام را چنان به وحشت انداخته است که مثل مار زخمی به خود می پیچند و برای برون رفت از این تهدید که بی گمان از آن سر سالم بدر نخواهد برد، حاضر است به هر کاری دست بزند تا بتواند بحران سازی

کرده و یا احیانا بتواند جنگی را به راه بیندازد و به بهانه آن مردم داخل را سرکوب نماید. همه دیدیم که در روز روشن و در کشوری دموکراتیک یعنی نروژ در جلو چشمان دنیا لانه جاسوسی رژیم به پناهندگان حمله می کنند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دهند. نه به افکار عمومی توجه دارد و نه می انگارد که این کار را در کشوری که مهد دموکراسی است، انجام می دهد. گویا جمهوری جمهوری اسلامی نمی داند که این کشور کاملا با عراق و جاهای دیگر نظیر عراق فرق می کند که انسانها را تیکه پاره می کنند و کسی جوابگو نیست. جاسوسی دیپلمات های رژیم در کویت و اخراج دو نفر از آنان، تهدید عربستان سعودی به بهانه مردم بحرین و فرستادن اسلحه با هواپیما برای سوریه که سرانجام در ترکیه مصادره شد و در نهایت ترکیه آن را به شورای امنیت گزارش کرد. اینها نمونه های بارزی هستند که جمهوری اسلامی بدنبال بحران سازی در جهان و منطقه است.

مهمتر از همه کشتار اعضای سازمان مجاهدین خلق در کمپ اشرف، توسط ارتش عراق، به دستور مستقیم مالکی و با چراغ سبز و حمایت کامل ولی فقیه که به کشته شدن ۳۳ نفر و زخمی شدن بیش از ۲۰۰ نفر انجامید. این کشتار در روز روشن و در جلو چشمان نیروهای آمریکایی و دنیا اتفاق افتاد، یک نیروی بی سلاح و بی دفاع در مقابل یک ارتش پرورده دیکتاتوری و تا دندان مسلح با انواع و اقسام سلاحهای جنگی. سپس پیام علی اکبر صالحی و تقدیر از مالکی و نیروهای عراقی به خاطر این جنایت. همچنانکه گفتم اینها حکایت از یک بحران سازی توسط جمهوری اسلامی دارد تا شاید بتواند از سرنگونی خود توسط خیزشهای مردمی جلوگیری کند و در نهایت از این بهران جان سالم بدر برد. من به عنوان عضوی از جنبش دموکراتیک یارسان که هیچ رابطه ارگانیکی با مجاهدین ندارد، این را می نویسم. زیرا من با اعتقاد به دموکراسی، دفاع از حقوق انسانی همه مبارزان، حتا مخالفین عقیدتی را از وظایف مبرم می دانم.

چرا خیزشهای اخیر در ایران زیاد کارساز نبودند:

هرچند خیزشهای اخیر که بعدا نام جنبش سبز را به خود گرفت یا برایش درست کردند؟ توانست تا حدی نظام جمهوری اسلامی را به لرزه در آورد ولی مثل سایر کشورهایی که با خیزشهای مردمی رهبرانشان، سرنگون شدند یا در حال سرنگون شدن هستند موثر نبود. این چندین دلیل می تواند داشته باشد.

دلیل یکم که همه می دانیم نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی در طول سی و دو سال طوری تربیت و شستشوی مغزی داده شده اند که کوچکترین تردیدی برای کشتن مردم به خود راه نمی دهند. دلیل دوم آنها تا دندان مسلح اند و قتل عام می کنند. بی گمان این می تواند روند سرنگونی را کندتر کند. دلیل سوم نبود اتحاد بین نیروهای دمکرات و جنبشهای مردمی است که بتواند با ابتکار و سیاست درست رژیم را به زانو در آورد. نهایتا نبود یک رهبری جمعی که بتواند جنبش را به راه درست هدایت کند و خطوط مبارزه روزانه را برای مردم تعیین نماید. من مهمتر از همه اینها را نبود اتحاد و یکپارچگی در بین اپوزسیون خارج کشور می دانم. اینها همه دست به دست هم داده اند که مردمان ملت های داخل ایران مثل تونس یا مصر خیلی زود برای سرنگونی دیکتاتوری جمهوری اسلامی به موفقیت مطلوب نرسند.

این است که همه ما باید هوشیارانه به مسائل بنگریم و در حد امکان و در هر گوشه ای از جهان بتوانیم توطئه های رژیم را افشاء کنیم. مثل همیشه باید گفت که اپوزسیون باید به خود بیاید و برای تحقق خواستهای مردم و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی حول یک پلتفرم دموکراتیک که بتواند خواستهای ملل سرزمین ایران را تامین کند، برای اداره آینده این کشور با هم همکاری کنند.

پیروز باد جنبش دموکراتیک خلقهای ایران

بشیر امیرخانی

جمهوری ضد انسانی اسلامی ایران همچنان بذر نفاق میبشد



یارسانیان عزیز، مدتی است که با ترفندهای مشخص و مختلف جمهوری اسلامی میکوشد که آثار باستانی مرقد سلطان سحاک، قبله یارسانیان را ویران و نماد تاریخی این مردم را از بین ببرد. بی گمان نماد قدیمی این رادمرد تاریخ برای مردم یارسان مقدس و هیچوقت نخواهند گذاشت دشمنان به نتیجه دلخواه خود برسند. شکی نیست که تمام پیروان آیین یاری این مکان یعنی مرقد سلطان سحاک برایشان مقدس و گرامی است.

جمهوری اسلامی برای نابود کردن آثار تاریخی در ایران، روی طالبان افغانستان را سفید کرده و پیشقدمتر است. اکنون میخواهند برای اینکه از نظر تبلیقاتی کمتر متضرر شوند، از طریق بعضی از افراد در بین مردم یارسان به این بهانه که مرقد کنونی سلطان سحاک کوچک است، جای کمتری دارد و باید نوسازی شود دست به اقدام و خرابکاری میزنند. جمهور اسلامی در این ماموریت دو هدف را دنبال خواهد کرد، به گمان من هدف اول و اساسی این است که مردم یارسان که یکی از مردمان متحدی هستند در ایران را شقه کند و نفاق دشمنی را در بین آنان بکارد، که این بسیار خطرناکتر از هر چیز دیگری میباشد. هدف دوم که مشخص است از بین بردن نماد مقدس مردم یارسان و آثار تاریخی آن.

مردم شرافتمند یارسان: همه میدانیم که جمهوری اسلامی و مقامهای ریز و درشتش در این راه ید طولبی دارند و با انواع و اشکال ترفندها سعی در نفاق افکنی و دشمن تراشی در بین شما مردم غیور یارسان را دارند. نگذارید این انسان ستیزان به اعمال زشت خود دست یابند و بعد نظارگر وضعیت باشند. میدانیم که مردم یارسان طی سی و دو سال حاکمیت این حکومت در بدترین شرایط زندگی کرده و میکنند. از هیچ توطئه‌ای در حق این مردم فروگذار نکرده‌اند. به جان و مال مردم تجاوز کرده و هزاران نفر از این مردم را به شکلهای مختلف از بین برده‌اند. بلای که به سر مردم ایران آورده‌اند، مردم یارسان نیز از آن بی بهره نبوده‌اند. اما یک چیز را نباید از یاد ببریم، با وجود تمام ترفندها و باندبازیهای رژیم، به یمن بزرگواران و هوشیاری مردم یارسان تا به حال این مردم شق نشده‌اند و برای هر تحولاتی متحد و یکپارچه هستند. رژیم دیکتاتوری ولایت فقیه دارد عمر ننگین خود را به پایان میبرد و طول نخواهد کشید که مناره ولایت فقیه از بام سرزمین ایران به پایین کشیده میشود، پس ما مردم یارسان چه در داخل و چه در خارج بایستی این وحدت و یک پارچگی خود را حفظ کرده و نگذاریم دشمنان این مرز و بوم به نیت شوم خودشان برسند.

وحدت و یکپارچگی تنها راه رسیدن به آرمانهای ولای مردم یارسان است.

پاینده باد آرمان یارسانی

ننگ بر فرهنگ ستیزان

نابود باد جمهوری جهل و جنایت

بشپیر ۱۴،۲،۲۰۱۱

یک بام و دو هوای دادگای کیفری بین المللی



چندین هفته است لیبی با بحران انسانی روبرو شده است و نبرد بین نیروهای دولتی از یک طرف و مردم به پا خاسته از طرف دیگر منجر به کشته و زخمی شدن هزاران نفر شده است و دهها هزار نفر نیز آواره و سرگردان شده اند. نیروهای معمر قذافی به شکل وحشیانه ای به جان مردم افتاده و آنها را قتل عام نبرد همچنان ادامه دارد و معلوم نیست که جریان به کجا ختم می کنند می دفتر لیبی را صادر کند شود. امروز دادگاه بین المللی قرار است حکم پیگرد جنایتکاران در دادستانی دادگاه بین المللی گفته است که گزارش آقای مورنو اوکامپو شامل کلیاتی پیرامون جرایم صورت گرفته در لیبی از زمان آغاز قیام اعتراضی مردم در روز 15 فوریه و اسامی نهادها و دادگاه بین المللی انتظار دارد. افرادی است که احتمال پیگرد قانونی آنان در این ارتباط وجود دارد افرادی که اسامی آنان در این اطلاعیه انتشار می یابد به منظور جلوگیری از سنگین تر شدن این بسیار جای خوشحالی است که پرونده اتهامی خود از ارتکاب جرایم بیشتر خودداری ورزند دادگاه کیفری بین المللی به خاطر جلوگیری از کشتن بیشتر مردم بی گناه و سپردن جنایتکاران به دست عدالت این اقدام را کرده است یا خواهد کرد. اما بسیار جای تامل و سوال است که این شود؟ جنایتکار هرکس و در هر لباسی باشد دادگاه چرا تفاوت بین کشورها و جنایتکاران قائل می ۲۲ سال است سردمداران جمهوری اسلامی در ایران مردم سرزمین ایران را به جنایتکار است کند، صدها هزار نفر از بهترین فرزندان این سرزمین را قتل عام کرده شکل وحشیانه قتل عام می است، درتظاهرات چند روز اخیر نیز دهها نفر کشته و صدها نفر دستگیر شده اند، آیا این مردم یعنی مردم ایران با مردم لیبی فرقی دارد؟ آیا جنایتکاران در ایران با جنایتکاران در لیبی تفاوتی برای دادگاه کیفری بین المللی دارد؟ به نظر من این یک بام و دو هوای دادگاه به حیثیت آن لطمه وارد خواهد کرد و نمی توان به مستقل و بی طرف بودن این دادگاه شک نکرد. اگر این چنین است که باید جنایتکاران به دست عدالت سپرده شوند و باید جلو آنها را گرفت تا خون کمتری ریخته شود، پس سر دمداران جمهوری اسلامی جنایتکارانی هستند نه در لیبی و نه در هیچ جای دنیا همانند ندارند. لذا از آقای مورنو اوکامپو میخواهم که یک بام و دو هوا نکند و هم چنانکه در مورد جنایتکاران در لیبی وارد عمل شده است در مورد ایران هم همین کار را انجام دهد و برای یک محاکمه بین المللی جنایتکاران جمهوری اسلامی را تحت پیگرد قرار دهد. عدالت باید عدالت باشد چه برای لیبی و چه برای ایران

بشیر
فنلاند

بیچاره به امام هشتم که این خواری را باید بپذیرد!!



هموطنان عزیز، انسانهای شریف و آزاده، در دنیای امروز می بینیم که در کشورهای زیادی از جمله کشورهای اروپایی زنان با اختیار و میل خود شوهر آینده خود را انتخاب می کنند و هر زنی می تواند با هر مرد دلخواه خودش همخوابگی کند و کسی برای آنها تعیین تکلیف نمی کند. اما متأسفانه در کشورهای جهان سوم، از جمله در ایران اسلام زده، زنان برده به حساب می آیند و نمی توانند به صلاحدید خود شوهر آینده خود را تعیین کنند و پاکسی را آزادانه دوست بدارند. در کشورهای اسلامی زن نصف مرد به حساب می آید و هیچ وقت بدون صلاحیت شوهر اجازه حتی مسافرت را هم ندارند. هدف از نوشتن این مطلب این نیست که من این مسائل را به یاد شما خوانندگان عزیز بیاورم، چون کم و بیش همه بر این امر آشنا هستیم. در مطلبی به قلم دکتر گلمراد مرادی چشمم به سندی افتاد که برایم خیلی ناراحت کننده و زجر آور بود که آخوندهای دیو صفت با چه ترفندهایی زنان را می فروشند و برای این فروش کلاه شرعی نیز می سازند. در این سند هم نرخ و هم سن و هم پاداش امام رضا تعیین شده است. |

اسم این را گذاشته اند صیغه؟! زنان از ۱۲ سالگی می توانند به صیغه مردان در آیند، نقل قول از حاج آقا محمود. نرخهای متعددی برای این تن فروشی تعیین شده است. و گفته است اگر دختری تا به حال نشده است بابت برداشتن پرده بکارتش ۱۰۰ هزار تومان زیادی دریافت می کند و از این فروشهای سبکی چند درصدی هم به عنوان پاداش یا حق و الزمه یا؟؟ به صندوق آستان قدس رضوی پرداخته می شود. ببینید وقاحت و بی شرمی این آخوندها به کجا رسیده است که به اسم دین در روز روشن زنان و دختران مردم را می فروشند و اسم ان را صیغه می گذارند. من نمی دانم اگر اسم این صیغه هست و مردان به راحتی می توانند در مرقد امام هشتم زنان را در اختیار خود بگیرند و نرخ ان هم مشخص است پس اسم فاحشه گری و فاحشه خانه ها را چه باید گذاشت؟! در هر فاحشه خانه ای نفری جلو در ایستاده

و به مشتری می گوید نرخ این زن این قدر است و نرخ دیگری آنقدر خواهد بود، اسم این دربان را گواد می گویند، حالا اسم حاج آقا محمود ممتاز را چه باید گذاشت؟! و صندوق امام هشتم در این وسط چه نامی برای خود اختیار می کند؟ لابد بهتر از شغل حاج آقا محمود نمی تواند باشد چون هم شریک هستند و هم همدست. بیچاره به امام رضا، آیا اگر او امروز زنده بود این خواری را می پذیرفت؟!

این کوتاه مطلب نمی تواند گویای همه واقعیتها باشد ولی باید دید و شنید که تا چه حد این پتیارهای دوران و این عوامفریبان ضد فرهنگ به جان و مال مردم ایران تجاوز می کنند. از جناب دکتر مرادی اجازه می خواهم و این سند را از زیر مطلب ایشان کپی کرده و زیر این مطلب می گذارم .

بشیر فنلاند
۲،۳،۲۰۱۱

<p>بعد از انتضای قرارداد ۲ ساله در صورتی که سن خواهران به حد نصاب ۲۵ سال نرسیده باشد، در صورت تمایل می توانند در ایست انتظار صیغه های دائم قرار بگیرند. خواهران موظفند ۵ درصد از مبلغ دریافتی هر صیغه را به حرم مطهر واریز نمایند. از کلیه خواهران علاقه مند درخواست می شود ۲ قطعه عکس تمام قد (با حجاب اسلامی)، آخرین مدرک تحصیلی، وضعیت بکارت و گواهی سلامت کامل روانی و جسمانی از سازمان بهداشت شهرستان محل سکونت خود را حداکثر تا سی و یکم اردیبهشت هزار و سیصد و هشتاد و نه به آدرس ذیل ارسال نمایند.</p> <p>توجه: برای خواهران کمتر از ۱۴ سال رضایت رسمی پدر یا جد پدری یا عمو الزامی میباشد.</p>	<p>بسم الله الرحمن الرحيم</p> <p>النكاح السنقي (از نواج از سنتهای رسول اکرم صل الله علیه و آله و سلم است.)</p> <p>آستان قدس رضوی جهت ارتقای فضای معنوی جامعه و ایجاد شرایط مناسب روحی و آرامش خیال برای برادران زائری که در مدت زیارت حرم مطهر امام هشتم از همسر خود دور میباشند اقدام به برگزاری مرکز صیغه های کوتاه مدت در جوار حرم رضوی نموده است.</p> <p>در این راستا از کلیه خواهران باکرة مومنه که سن آنها بین ۱۲ تا ۲۵ سال است دعوت به همکاری مینماید. هر یک از خواهران بر اساس قرارداد ۲ ساله ای که با آستان قدس رضوی منعقد مینمایند موظفند که ماهانه حداقل ۲۵ روز به صیغه برادران زوار در آرد. مدت قرارداد جزء سابقه اشتغال تقاضی محسوب می گردد. مدت هر صیغه از ۵ شباعت تا ۱۰ روز متغیر می باشد. مبلغ پرداختی بابت هر صیغه بدین شرح است:</p>										
<p>آدرس:</p> <p>مشهد بارگاه امام رضا (ع) خیابان شهید نواب صفوی صحن کوثر دفتر امور صیغه جهت اطلاعات بیشتر با تلفن</p> <p>حاج آقا محمود ممتاز ۰۰۹۸۵۱۱۲۲۲۵۷۹۰</p> <p>تماس حاصل نمائید. برای آگاهی بیشتر از جزئیات کامل شرایط مربوطه به سایت آستان قدس رضوی مراجعه نمائید.</p>	<table border="0"> <tr> <td>صیغه های ۵ ساعته</td> <td>۵۰ هزار تومان</td> </tr> <tr> <td>صیغه های ۱ روزه</td> <td>۷۵ هزار تومان</td> </tr> <tr> <td>صیغه های ۲ روزه</td> <td>۱۰۰ هزار تومان</td> </tr> <tr> <td>صیغه های ۳ روزه</td> <td>۱۵۰ هزار تومان</td> </tr> <tr> <td>صیغه های از ۴ روز تا ۱۰ روز</td> <td>۲۰۰ هزار تومان</td> </tr> </table> <p>خواهران باکرة که برای اولین بار صیغه میشوند مبلغ یکصد هزار تومان اضافه بابت برداشتن پرده بکارت دریافت خواهند کرد.</p>	صیغه های ۵ ساعته	۵۰ هزار تومان	صیغه های ۱ روزه	۷۵ هزار تومان	صیغه های ۲ روزه	۱۰۰ هزار تومان	صیغه های ۳ روزه	۱۵۰ هزار تومان	صیغه های از ۴ روز تا ۱۰ روز	۲۰۰ هزار تومان
صیغه های ۵ ساعته	۵۰ هزار تومان										
صیغه های ۱ روزه	۷۵ هزار تومان										
صیغه های ۲ روزه	۱۰۰ هزار تومان										
صیغه های ۳ روزه	۱۵۰ هزار تومان										
صیغه های از ۴ روز تا ۱۰ روز	۲۰۰ هزار تومان										



انحلال دانشگاه علوم پزشکی، نشانه تیر خلاص زدن به علم پزشکی در ایران توسط سردمداران جمهوری اسلامی

رژیم مستبد و جنایتکار جمهوری اسلامی، دریافته است که به انتهای خط رسیده و از این را برای ماندگاری به هر ترفندی دست می زند و به هر حيله متوسل می شود، تا بلکه چند صباحی بیشتر به جنایتهای خود ادامه دهد. حکومت ولی فقیه که کودتاه و جنایات سال گذشته علیه مبارزات مردم را سازماندهی و به اجرا گذاشت، اینبار دستور بستن دانشگاهها در واقع مراکز مهم علمی ایران، یعنی هسته مرکزی مقاومت مردمی را صادر نموده و راه چاره را در بیشرمانه ترین و رذیلانه ترین اقدام نسبت به مرکز علم طب، یعنی انحلال دانشگاه علوم پزشکی ایران که مکانش در تهران است دیده است. جمهوری اسلامی و سردمداران آن میخواهند پروژه ای را تمام کنند که ۱۵۰۰ سال پیش علم و فرهنگ ایران زمین را به آتش کشید. بزرگترین تمدن خاورمیانه را میخواستند نابود کنند و از بین ببرند که موفق هم شدند.

وزیر بهداشتی که از دست نشانده های باند احمدی نژاد است با یک فرمان امر به انحلال دانشگاهی با هزاران دانشجو می دهد تا به زعم خود با پراکندن دانشجویان، بستری از آرامش سیاسی - اجتماعی برقرار کند و برای خود و رهبرش آسودگی خیال فراهم سازد، و حکومت را از پیامد مبارزات و اعتراضات دانشجویی خلاصی بخشد. غافل از این که حکومت در این محاصبه دچار اشتباه شده و بستن دانشگاهها نه تنها دردی از هزاران درد سردمداران رژیم را دوا نمیکند بلکه با بستن این دانشگاه شعله آتش خشم مردم بویژه قشر دانشجو را بر علیه دستگاه سرکوب ولایت فقیه بر می انگیزد. خود را انگشت نمای جهانیان می کند و دشمنی خود را با علم برملا می سازد. زیرا بستن هر دبستان، یعنی باز کردن چندین زندان، و تعطیل هر دانشگاه، یعنی فنای بخشی از یک جامعه؛ و بستن دانشگاه پزشکی یعنی ستیز با سلامت و بهداشت مردم. انحلال دانشگاه پزشکی ایران توسط حکومت بی تردید دشمنی این رژیم با بهداشت و سلامتی مردم را نیز ثابت می کند.

بی شک این اقدام مثل اقدامهای سی و یک سال گذشته اش آخرین اقدام این جانوران نخواهد بود و کماکان می خواهند مردم را به دورانی برگردانند که بجای طبابت به مرگ راضی باشند. این اقدام جنایتکارانه رژیم در حق علم پزشکی در ایران ناپیستی نادیده گرفته شود و وظیفه همه انسانهای شریف و آزادیخواهی است که به هر طریق ممکن از طریق سازمانهای بین المللی برای افشای این ظلم در حق مردم ایران از هیچ کوششی فروگذار نکنند.

اخیرا دولت یا بهتر بگویم وزارت خارجه سوئد هیئتی از نمایندگان مجلس رژیم را به سوئد دعوت کرده است، این بی گمان یک دهن کجی آشکار به ملت های داخل ایران و مهر تایید بر کودتای باند خامنه ای احمدی نژاد در ایران است. دولتهای اروپایی منجمله دولت سوئد می دانند که تمامی به اصطلاح نمایندگانی که در مجلس رژیم هستند، نمایندگان واقعی مردم نیستند و در برابر جنایت کودتاچیان در ایران نه تنها سکوت می کنند بلکه پشتیبان آن هم هستند. معلوم است دولتهای

اروپایی به دنبال منافع ملی خودشان می گردند و قربانیان اصلی این رژیم مردم ایران و سرزمین ایران است.

سرنگون باد رژیم ولایت فقیه در ایران

بشیر فنلاند

8.11.2010



اظهارات خامنه ای بیانگر وحشت سردمداران رژیم از امواج آزادیخواهانه مردم در ایران است

مدتی است که مردمان سرزمینهای عربی در شمال آفریقا از جمله تونس، مصر، یمن، الجزایر و غیره به جوش آمده اند و به خیابانها ریخته‌اند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر می دهند و می گویند دیکتاتور باید برود. بن علی رهبر تونس دست از پا درازتر فرار کرد و حالا نوبت مصر و یمن و غیره است. می بینیم که چند روزی است صدها هزار نفر از مردم مصر شب و روز در خیابان میخوابند و خواستار استعفای مبارک هستند. در این مدت حسنی مبارک چندین تغییرات در دولت داده است، قول اصلاح قانون اساسی را نیز داده است و با گروههای اپوزسیون از جمله گره اخوان المسلمین که تا کنون ممنوع از فعالیت بوده‌اند وارد مذاکره شده است و قول اضافه کردن حقوق کارمندا را نیز داده است، ولی مردم میگویند زمانی تظاهرات را متوقف میکنند که حسنی مبارک از قدرت کنار رفته باشد. ارتش با تانک و زرهپوش برای جلوگیری از تظاهرات به میدان آمده است، ولی این ارتش تا دندان مسلح نه سپاه ضد مردمی پاسداران و نه نیروهای انتظامی و نه لباس شخصیهای رژیم جمهوری اسلامی است. میدانیم که حکومت مصر حکومتی دیکتاتور بوده و ۳۰ سال است که یک نفر

حکومت را در دستان خود قبضه کرده است ولی حکومت مصر را هیچوقت نمیشود با

حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی مقایسه کرد چرا؟ چون بعد از گذشت دو هفته از تظاهرات تا کنون ارتش بروی مردم شلیک نکرده است. میبینیم که نیروهای ارتش سوار بر تانکهایشان با مردم روبوسی میکنند و مردم با آنها روی تانکها سوار شده‌اند و گل به سربازان میدهند. بی شک تعداد زیادی طی این دو هفته که بعضیها رقم آن را ۴۰۰ نفر اعلام کرده‌اند به دست نیروهای پلیس هموطنان عزیز همه ما شاهد تظاهرات مردم ایران، و وفاداران مبارک جان خود را از دست داده‌اند بعد از انتخابات به اصطلاح ریاست جمهوری بودیم شاهد بدترین سرکوب از طرف نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی که به دستور مستقیم ولی فقیه بود بودیم. صدها نفر از بهترین فرزندان مردم طی چند روز به خاک و خون کشیده شدند و هزاران نفر به سیاهچالهای رژیم افتادند، به دختران و مردان دستگیر شده در زندان تجاوز نمودند. و با ماشین و موتور مردم را زیر آقای خامنه ای مگر در ایران زیر نظر شما نیست که در طول یک ماه ۴۵ نفر اعدام میشود. گرفتند؟ مگر طبق آمارهای بدست آمده هشت ساعت یک نفر در ایران تحت فرمان شما اعدام نمیشود؟ پس اینگونه نسخها چرا برای خود و مقامات ریز و درشتان نمیپسیدید؟ چه شده که فیلتان هوای هندوستان کرده و به یاد مردم فقیر و بیچاره کشورهای آفریقایی افتاده اید؟ به قول معروف میگویند چراغی به خانه رواست به مسجد حرام است، پس اگر دلی دارید چرا برای مردم خودت نمیسوزانید؟ مگر چشمهای کور شما این همه اعدام، شکنجه، نابرابری، ظلم و فساد را در ایران

تحت حاکمیتان نمی بیند؟ مگر خود شما نبودید مردم ایران را خار و خاشاک عنوان کردید؟ مگر کیانوش، ندا، حسین، فرزاد، جعفر، محمد حاج آقای، فرهاد، علی سارمی، فرهاد وکیلی، همین هفته ایرانی دیگر به دستور شما و اوباشانتان اعدام نشده اند؟ پس چرا خانم زهرا بهرامی و هزاران دلت به حال این مردم نمی سوزد. مگر ماموریت دارید ایران و ایرانی را نابود کنید؟ که از این بابت شک ندارم که چنین ماموریتی را دارین برای از بین بردن فرهنگ ایران و نابود کردن جوانان این با وجود اتفاقاتی که در دو سال پیش در ایران اتفاق افتاد بد نیست که به مملکت علی خامنه‌ای، سخنان خامنه‌ای و برخی دیگر از سردمداران جمهوری جهل و جنایت توجه کنید رهبر جمهوری اسلامی، در نماز جمعه تهران اعتراضات در مصر را بیداری اسلامی نامید و حوادث سال گذشته در ایران را فتنه‌ای خواند که دشمنان در بیرون از ایران برای استحاله انقلاب طراحی کرده‌اند. و همچنان بی‌شرمانه ادامه می‌دهد: آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، روز جمعه ضمن درود فرستادن به مردم تونس و مصر اعلام کرد که تحولات اخیر جهان عرب انعکاس فریاد مظلومانه و قدرتمندانه مردم ایران است که در مناطق دیگری از دنیای اسلام شنیده می‌شود. خامنه‌ای که در نماز جمعه امروز تهران رئیس جمهور مصر را حسنی نامبارک می‌خواند او را نوکر آمریکا خطاب کرد و رئیس جمهور فراری تونس را نیز به طور کامل وابسته به آمریکا توصیف جالب است دیدیم که در جواب به این اراجیف خامنه‌ای رهبر اخوان المسلمین مصر گفت: کرد: وب‌سایت رسمی اخوان المسلمین در واکنش به اظهارات آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران، در روز جمعه گفته است: این گروه انقلاب مصر را، انقلاب اسلامی نمی‌داند و آن را متعلق به همه مردم مصر می‌داند. و در تونس نیز رهبر اسلامگرای اپوزسیون گفت من نه خمینی هستم و نه بن لادن. حالا به سخنان رامین مهمانپرست سخنگوی وزارت جاسوسی جمهوری اسلامی توجه کنید. وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران روز شنبه در واکنش به اعتراضات مردم مصر در چندین شهر این کشور که خواستار تغییر حکومت هستند از مقامات مصری خواست صدای مردم خود را بشنوند و به خواسته‌های آنها عمل کنند. رامین مهمانپرست، سخنگوی وزارت خارجه ایران، روز شنبه در واکنشی رسمی به ناآرامی‌های چند روز اخیر مصر که دست‌کم ۹۵ کشته بر جای گذاشته است تظاهرات مصریان را حرکتی عدالت‌خواهانه توصیف کرد. در این مورد نیز آخوند جنایت کار احمد خاتمی نیز گفت: حوادث کنونی در مصر، تونس، اردن و یمن را پس‌لرزه‌های انقلاب اسلامی ایران دانست و گفت که دوران دیکتاتورهای مورد حمایت غرب در جهان عرب به پایان رسیده است. لابد دیکتاتورهای که بر غرب وابسته نیستند فرق دارند!!! تاکید از مناقای لاریجانی قیام: رئیس مجلس در جریان سفر به بابل‌سر سخنانی کرده و جلوتر از علی خامنه‌ای گفته است دولت آمریکا در امور مصر دخالت نکند، زیرا مردم مصر است "مردم تونس و مصر" بیداری اسلامی اگر آمریکا بدنبال دموکراسی واقعی بود، دستور نمی‌داد که با دموکراسی شتری نمی‌خواهند جوانان امروز از مسائل، خشونت و اسب و شتر به مردم حمله شود، این دموکراسی شتری است آقای لاریجانی یادتان "سیاسی مطلع هستند و با قطع اینترنت و شبکه‌ها دردی دوا نمی‌شود نرفته است و باید بدانید که این تلاش حسنی مبارک کاملاً از روی مدل موتورسوارهای چماق بدست و طرفدار ولایت و کودتا در جریان سرکوب خونین مردم ایران تقلید شده بود که حضرت عالی به عنوان رئیس مجلس در برابر آن مسئولیت و باید به مردم ایران جواب پس بدهید. بگذریم هدف از این نوشته نه تایید عملکرد دولت مصر است و نه نفی خواسته‌های مردمی در آن دیار است، بلکه باید به این جانوران جمهوری اسلامی گفت اگر این پند و اندرز دارید برای دیگران خودتان چرا از آن پیروی نمی‌کنید؟ چرا به مردم ایران اجازه تظاهرات مسالمت‌آمیز نمی‌دهید؟ مگر مردم ایران غیر از خواسته‌های برحق خود چه چیزی را خواسته‌اند؟ مگر این شماها نبودید که تظاهرات مسالمت‌آمیز مردم ایران را به خاک و خون کشیدید، مگر شماها و به دستور شماها نبود که به زنان و مردان ایران در زندان‌هایتان تجاوز شد؟ اگر یک زره شرافت دارید که حتماً ندارید همین حق که برای دیگران قایل هستید برای مردم سرزمین خودتان هم قایل می‌بودید، به مردم ایران اجازه تظاهرات بدهید آنوقت خواهید دید که اثری از حکومت اسلامی‌تان باقی خواهد ماند یا نه؟ به گمان من این مردمان ملت‌های سرزمین ایران هستند که باید بگویند حرکت مردمی که در کشورهای عربی در جریان است گامی است به سوی دموکراسی و آزادی نه شما دست اندرکاران جهل و جنایت. در این روزها تحلیل‌ها و گفته‌های زیادی بوده است از اینکه این حرکتها به چه سرانجامی خواهد رسید. بی‌گمان اگر نیروهای انقلابی و روشنفکر در صدر این انقلابها قرار بگیرند و دست‌های آشکار و پنهان بگذارند مردم خودشان تعیین تکلیف کنند، دیری نخواهد انجامید که امید به آزادی و رهایی از چنگال

دیکتاتورها به این سرزمینها باز خواهد گشت و مردم با بدست آوردن آزادیهای اساسی خود نفس ولی اگر این انقلابها به انقلابی شبیه انقلاب ۵۷ ایران به مسیری غلط راحتی خواهند کشید همه بر این منحراف شود باید شاهد فجایای بیشتر و نگرانیهای بیشتر برای کل منطقه باشیم باورند که خیزش مردم کشورهای آفریقا در تحولات ایران بی تاثیر نخواهد بود. دیر یا زود آخوندهای مکار باید حساب خودشان را بکنند و بدانند که مردم ایران اینبار از حق خود عقب نشینی نخواهند کرد و سردمداران این رژیم را جارو و به زباله دان تاریخ خواهند فرستاد. ارتش ایران و نیروهای دیگر این را هم . رژیم باید از ارتش مصر درس عبرت بگیرند و به روی خواهران و برادران خود شلیک نکنند میرحسین موسوی و مهدی کروبی، دو تن از رهبران به اصطلاح مخالفان در آخر اضافه کنم که دولت در ایران، در نامه‌ای به وزارت کشور جمهوری اسلامی خواستار صدور مجوز برای راهپیمایی مردمی با هدف حمایت از حرکت‌های مردم تونس و مصر شدند. پس آقای خامنه ای اگر ریگی تو کفشتان نسبت لطف کنید این اجازه را بدهید تا آنوقت معلوم شود حکومت اسلامی تا چقدر نزد مردم ایران محبوب است! تازه این درخواست نه از طرف ضد انقلاب است و نه از طرف اسرائیل و آمریکا، این درخواست از طرف کسانی شده است که تا دیروز یار و همکار خود شما بوده‌اند و این شعاری است که خودت در مورد مصر میدهد، پس بالاغیرتن اینبار این لطف را در حق این خار و خاشاک به قول خودت بکن تا حکومت اسلامی را با چشمان خود ببینید. این گوی این میدان، تازه درخواست این راهپیمایی نه برای دفاع از حقوق ملت‌های ایران، بلکه برای دفاع یا پشتیبانی از مردم مصر و تونس است که خودت همین هفته ریاکارانه از آنها دفاع کردید و حکومت‌های آنها را به امید پیروزی مردم ایران و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در . خاطر سرکوب سرزنش کردید ایران

بشیر

8.2.2011



حکومهتی ههریمی کوردستان و شارندهوی راسیه‌کان

خوینهرانی ههژا، کوردستانیانی به‌رژ، یارسانیانی زولم لی کراو. له سائیتی فهرمی حکومتی ههریمی کوردستان دا هاتوه که رژهی موسه‌لمانانی کوردستان (هه‌لیهت باس له کوردستانی ئی‌راق ده‌کا) 70 ده‌رسده و نهو سی ده‌رسده‌ده‌کهی ئیزدی و مه‌سیحیه و جوله‌که‌یه؟! به لامه‌وه زور سه‌پره که حکومتی ههریمی کوردستان نهو راستیانه

ده‌شارته‌وه و زیاتر له 300000 هزار یارسانی(کاکه‌بی) که له ههریمی کوردستان ده‌ژین به سه‌رپان دا تی ده‌په‌رئ و به که‌مایه‌تی ئایینی هه‌سایان بو ناکا. من نازانم نهو یارسانیانه (کاکه‌یی) که دومین ئایینه له کوردستان و هیچ باوه‌رپان به ئایینی ئیسلام نیه له کام لهو که‌مایه‌تیه ئایینیانه دینه هه‌ژماردن؟! زور به داخه‌وه بو کاربه‌ده‌ستانی حکومتی ههریم که نهو خه‌لکه زیندوه که به شهو و به روز له بهر چاویانن و له شورشه‌کانی یه‌ک له دوا یه‌کی باشوری کوردستان به‌شدار بوئه و زور که‌سیان لهو پیناوه گیانیان له ده‌س داوه، نادیده ده‌گرن. له کاتی ده‌رکردنی ده‌ستوری ههریمی کوردستان هیچ ئامازه‌یک به ئایینی یارسان واته کاکه‌یی وه‌کو که‌مایه‌تی ئایینی نه‌کرا. نهو ده‌م هاوارمانکرد که نهو ده‌ستوره که‌م و کوری هه‌یه و نه‌بئ به دوا دا چونی بو بکری. به‌لام به داخه‌وه دیسان کاربه‌ده‌ستانی حکومتی ههریم نه ته‌نیا چاویان نوقان و به سه‌ریدا تی په‌ر بوون به‌لکو له‌م لاو و لهو لا له کاربه‌ده‌ستانی حکومتی ههریمان بیست که کاکه‌یی ئایین نیه به‌لکه بیرو باوه‌ره؟!؟؟ من له کار به‌ده‌ستانی ههریم ده‌پرسم نه‌گه‌ر ئایینی یارسان واته کاکه‌بی بیرو باوه‌ره و ئایین نیه بو روزو ده‌گرن؟ بو موقه‌ده‌ساتیان هه‌یه؟

بو په‌یخه‌مه‌ره‌که‌پان سولتانی ساقه؟ نهی باشه کومونیسته‌کان مه‌گه‌ر بیرو باوه‌رپان نیه بو روزو ناگرن؟ من رژیم هه‌یه بو ته‌واوی ئایینه‌کان له کوردستان به تاپیه‌ت جوله‌که‌کان! نهی باشه کاربه‌ده‌ستانی

هه‌ریم هه‌تا ئیستا ده‌زان چه‌نده جوله‌که له کوردستان ده‌ژین که نه‌وانیچ که‌مایه‌تی ئاینین؟ به‌لام یارسانه‌کان (کاکه‌پی) به‌و هه‌شیمه‌ته‌وه به‌ که‌مایه‌تی ئاینینی هه‌ژمارده‌ ناکرین و ناپه‌نه‌ه‌ساب. زور به‌ لامه‌وه‌ سه‌یره‌ نه‌گه‌ر بیته‌ سه‌ر زور مه‌سائیل پیمان ده‌لین خو برا ئیوه‌ موسه‌لمان نین و کافه‌رن!! به‌لام کاتی ده‌لین برا ئیمه‌ موسه‌لمان نین و ئاینینی تایه‌ت به‌ خو‌مان هه‌یه‌ نه‌ویچمان قه‌بول ناکه‌ن، نه‌ی باشه‌ جیگاک ئیمه‌ وه‌ک یارسان له‌ چه‌ شوینیکی ئهم کوردستانه‌یه‌؟؟

خوشکو برا یارسانه‌کان (کاکه‌پی) تا نیوه‌ی ئهم باسه‌ رخنه‌ و گله‌ی و گازنده‌ بو له‌ حکومه‌تی هه‌ریمی کوردستان و کار به‌ده‌ستانی، به‌لام نه‌ی ئیمه‌ی یارسانی چی؟ ده‌بی ئیمه‌ی چه‌پله‌یان بو لی بده‌ین و بلین راس ده‌که‌ن!!؟ به‌ بروای من ئهمه‌ سیاسه‌تیکی له‌ پشته‌وه‌یه‌ و به‌ نه‌قه‌ست و ده‌که‌ن. ئیمه‌ ده‌بی به‌ خو‌مان دا بچینه‌وه‌ و خو‌مان هه‌ول بده‌ین نه‌گینا قه‌ولتان پی ده‌دم به‌ رازی نه‌مان که‌ن به‌ موسه‌لمان به‌ زور یان به‌ شیوه‌ی دیموکراسی ده‌مان که‌ن به‌ موسه‌لمان. له‌ بیرمان نه‌چی هه‌ر یارسانیک که‌ به‌ زاراه‌ی گورانی قه‌سه‌ ده‌کا ده‌لین تو کورد نیت! ئاوا زمانه‌که‌مان لی ده‌ستین، دوا‌ی ده‌لین خو تویچ موسه‌لمان نیت و زورینه‌ی کورد موسه‌لمانه‌ ده‌بی جوریک بیته‌ سه‌ر دینی پیروزی ئیسلام!! کاریک که‌ سی و یه‌ک ساله‌ کار به‌ ده‌ستانی کوماری ئیسلامی ئیران ده‌ر هه‌ق به‌ یارسانه‌کان له‌ ئیران ده‌یکه‌ن

ئازیزان به‌ باوه‌ری من ته‌نیا رینگایکمان وه‌ک یارسانی له‌ پینشه‌، نه‌ویچ بی ئهم لاو نه‌و لا به‌ یه‌ک ده‌نگ و به‌ یه‌ک ده‌ست و به‌ هێز و توانای خو‌مان نه‌په‌لین زیاتر ئیها‌نه‌تمان پی به‌که‌ن و وه‌ک شاروه‌ندی ده‌ره‌جه‌ چوار مامه‌له‌ و هه‌لسو‌که‌وتمان له‌ گه‌ل بکه‌ن. نه‌گه‌ر کاری و نه‌که‌ین بی گو‌مان ده‌بی هه‌مو شتیکی چاوه‌روان که‌ین

کورده‌ فه‌ئلیه‌کان له‌ بیر نه‌که‌ین، تازه‌ نه‌وان هه‌م کوردن و هه‌م موسه‌لمان، به‌لام ئیمه‌ کوردین و غه‌یر موسه‌لمان!!! من وه‌کو تاکیکی یارسانی داوا له‌ کار به‌ده‌ستانی حکومه‌تی هه‌ریم ده‌که‌م به‌و راگه‌پندراوه‌ دا بچینه‌وه‌ و ئاینی یارسان (کاکه‌پی) له‌ کوردستانی ئیراق وه‌کو که‌مینه‌ به‌ هه‌ساو بینن. نه‌گه‌ر و نه‌که‌ن به‌ پروای من زه‌ره‌ر له‌ به‌رژه‌وه‌ندی گه‌لی کورد له‌و به‌شه‌ ده‌ده‌ن به‌ بروای من ته‌واوی یارسانه‌کان چه‌ له‌ ئیران و چه‌ له‌ ئیراق هه‌ز ده‌که‌ن نه‌و به‌شه‌ نازاد کراوه‌ له‌ کوردستان وه‌کو گلینه‌ی به‌رزان دوا‌به‌دوا‌ی نه‌و راگه‌پندراوه‌ له‌ مالپه‌ری .چاویان پاپیژن به‌لام به‌ شه‌رتیک مافیان زه‌وت نه‌کرئ حکومه‌تی هه‌ریمی کوردستان، په‌کیه‌تی زانایانی موسه‌لمان له‌ کوردستان له‌ راگه‌پندراویک رخنه‌یان له‌ حکومه‌تی هه‌ریم و مالپه‌ره‌که‌ گرد و نه‌و ئاماره‌یان به‌ هه‌له‌ زانی، ئاماره‌ به‌وه‌ ده‌که‌ن که‌ نه‌وه‌ زولمه‌ له‌ موسه‌لمانان و ژماره‌ی موسه‌لمانی کوردستان له‌ ۹۰ ده‌سه‌د زیاتره‌. به‌ بروای من رێژه‌ی که‌مایه‌تیه‌ ئاینیه‌کان له‌وه‌ زورتره‌ که‌ له‌ مالپه‌ره‌که‌ی حکومه‌تی هه‌ریم هاتوه‌. دوا‌به‌دوا‌ی راگه‌پندراوی سه‌روکی په‌کیه‌تی زانایانی موسه‌لمانی کوردستان، به‌پرسی مالپه‌ری حکومه‌تی هه‌ریمی کوردستان به‌ فه‌رمی ولامی دایه‌وه‌و وتی راسته‌ ئهم ئاماره‌ کو‌نه‌. به‌لام نه‌ی ولامی یارسانیه‌کان (کاکه‌یه‌کان) بو ناده‌نه‌وه‌؟

ته‌نیا رینگای سه‌ره‌که‌فتن یه‌ک ده‌نگی و یه‌ک گردن

یارسان که‌لتور و میراسی کورده‌ و که‌س ناتوانی پشت گو‌په‌ی بخا

به‌شیر

فنلاند

8.12.2010



شرط خاتمی برای شرکت در انتخابات به یک طنز شبیه است تا واقعیت

در طول سی و یک سال حکومت جمهوری اسلامی در ایران، دست اندرکاران ریز و درشت این رژیم با تمام توان تا توانسته‌اند به جان و مال مردم سرزمین ایران تجاوز کرده و جوانان این مرز و بوم را اعدام، شکنجه و از بین برده‌اند. انقلابی که در ایران شد بی گمان برای این هدف بود که مردم به آزادیهای اساسی بیشتری، از جمله آزادیهای سیاسی و اجتماعی دست یابند، به همین خاطر بود که مردم متحداً برای بدست آوردن خواسته‌هایشان به خیابانها ریختند و شعار آزادی سر دادند. شکی در آن نیست، اگر مردم می دانستند بعد از سرنگون کردن نظام شاهنشاهی در ایران چنین رژیم قرون وسطائی و جنایتکارتری سر کار می آید هیچ وقت و تحت هیچ شرایطی این کار را نمی کردند.

دیدیم که رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی و آخوندهای دغل باز سوار موج انقلاب ملت‌های ایران شدند و به خواسته‌ها و آرزوهای این مردم خیانت کردند. هشت سال جنگ خانمانسوز با عراق، صدور ترور به کشورهای مختلف، قتل دگر اندیشان در داخل کشور، ترور اعضای اپوزسیون در خارج نابودی اقتصاد ایران، بی اعتباری ایران و ایرانی نزد کشورهای متمدن جهان، اینها ارمغانی بود که این رژیم جنایتکار برای ملت‌های ایران آورد. تمام مقامات رژیم که حالا بعضی از آنان خود را اصلاح طلب می دانند و ژست اپوزسیون می گیرند در این سی و یک سال دارای پست‌های کلیدی در این جمهوری اسلامی بوده و در قتل و جنایت علیه مردمان ملت‌های ایران به شکلی دست داشته و دارند.

اخیراً خاتمی در نطقی برای شرکت در انتخابات آینده شرایطی را پیش کشیده که یکی از آن آزادی زندانیان سیاسی است؟! آزادی زندانی سیاسی به مفهوم کلمه هیچ ایرادی ندارد، ولی آقای خاتمی نگفتند کدامین زندانی سیاسی؟ همه خانواده های زندانیان سیاسی خوشحال می شدند، هنگامی که ایشان مقام بالائی در جمهوری اسلامی داشت، همین پیشنهاد را برای آزادی زندانیان سیاسی می داد و همین را یکی از شرایط دموکراسی می دانست. آیا منظور ایشان همان زندانیانی هستند که تا دیروز دستشان به خون فرزندان این آب و خاک آلوده بود و هم اکنون به نام اصلاح طلب در زندان هستند؟! یا کلیه زندانیان سیاسی وحتا کسانی که در دوران ریاست جمهوری ایشان، همان مقام بالا، به سیاهچال‌های رژیم افتادند؟ در اینجا دوبرداشت می شود، داشت از حرف خاتمی، اول اگر منظورشان زندانیانی است که تا دیروز دستشان توی یک کیسه بوده و حالا با یک سری از مسئولین همین رژیم بخاطر قدرت اختلاف پیدا کرده اند و به زندان افتاده‌اند و حالا هم خود را اپوزسیون قلم داد می کنند و ادعای مخالفت با رژیم دارند که این یک خیانت آشکار به ملت‌های ایران است، چرا؟! چون احتمالاً ایشان زندانی سیاسی را فقط باند مافیایی می دانند که تا دیروز همدست خودشان بوده اند و هم اکنون در زندان خودیها هستند. اما اگر منظور خاتمی آزادی کل زندانیان سیاسی است این باز هم کلکی است که مثل دوران هشت ساله ریاست جمهوری به مردمان ملت‌های ایران می زند. او هشت سال تمام با فریب کاری محض به اعتماد ملت‌های ایران و بویژه جوانان خیانت کرد. از همه مهم تر مگر در دوران هشت ساله ریاست جمهوری خودش زندانی سیاسی در ایران وجود نداشت؟ باز هم ما می پرسیم چرا آنوقت سکوت اختیار کردند و نگفتند زندانیان سیاسی باید آزاد شوند؟ بدون شک حالا می خواهند مجدداً از کیسه ملت‌های ایران خرج کنند و کسانی که تا دیروز مردم ایران را قتل عام می کردند امروز شرط زندانی سیاسی باید آزادگردد را برای آنها بکار می گیرند و همدستان سابق خود در جمهوری اسلامی را با زندانیان سیاسی واقعی یکی کنند که به نظر من کور خوانده و کمی نیرنگ آخوندی در آن دیده می شود. من بعنوان کسی که با تمام وجود از آزادی و دموکراسی دفاع می کنم در پای آن می ایستم که حتا دشمن ملی و طبقاتیم حرف‌هایش را بزند و برای آزادی همه زندانیان سیاسی بدون استثناء مبارزه می کنم، اما همانگونه که شرح دادم سخنان آقای خاتمی برای من دو پهلو دیده می شود. تصور می کنم مردم ایران هوشیارتر از آنند که فریب ایشان را بخورند.

مهمتر از همه در دیداری که در تاریخ ۲۴ ژانویه رفسنجانی با یک سری از این به قول خودشان علما داشتند گفت جامعه شناسی سیاسی از واقعه عاشورا و پس از آن این است که در صورت نداشتن قدرت فیزیکی، با دل‌های مردم باید به اهداف رسید؟! او یادآور شد که قدرت دل‌های شکسته از هر شمشیری برنده‌تر است؟! واقعا پیشینیان درست گفته‌اند که آخوند خیلی پر رو است، ایشان به صراحت می‌گوید اگر قدرت داشتی باید بکشی! و اگر نداشتی باید از اعتماد مردم سوء استفاده کنی و خود را در پشت مردم قایم کنی تا به اهداف خود برسی. اما در مورد اینکه دل‌های شکسته از هر شمشیری برنده‌تر است من هم با ایشان موافق هستم ولی آیا این آقای رفسنجانی از خودشان نمی‌پرسند در دوران سی سال حکومتی که خود همه کاره‌اش بوده‌اند، هزاران جوان این سرزمین را اعدام کردند، هزاران مادر را داغدار کردند، صدها نفر از بهترین فرزندان این سرزمین را در خارج از کشور به دستور مستقیم شماها ترور شدند، صدها هزار نفر به دستور مستقیم شماها در کوره‌های جنگ هشت ساله با عراق سوختند. شما آنوقت چرا این حرف‌های مظلومانه را نزدی؟ مگر فقط شما و مادر فرزندان شما می‌دانند دل شکسته یعنی چه؟ شما چرا در این سی و یک سال به فکر دل‌های شکسته مردمان ملت‌های ایران نبودید؟ حالا چه شده که آنقدر دل شکسته و از قدرت دل شکسته حرف می‌زنی؟! من فکر نکنم کسی باشد به این مظلوم‌نمایی شما دلی بسوزاند، بلکه همه مردم می‌دانند و به یک دید شما را نگاه می‌کنند. آنهم قاتل مردم ایران هستید و سی و یک سال در حق ملت‌های ایران مرتکب جنایتهای شده‌ای که باید در یک دادگاه مردمی به آن پاسخگو باشید.

درخت می‌گوید اگر تبر دسته‌اش از خودم نباشد قادر به بریدن من نیست، درست داستانی است که به شما آخوندها می‌چسبند چرا؟ چون شماها هم باید اول از خودتان شروع شود و خودتان دست‌های خودتان را رو کنید.

شک ندارم که زیاد هستند کسانی در درون این رژیم که روزی دهانشان باز شود و جنایتهای پنهانی که شما در پشت پرده و بدور از چشم مردم انجام داده‌اید برملا خواهند کرد. گورهای دسته جمعی که کسی از آن خبر ندارد و خیلی چیزهای دیگر که مردم امیدوارند که روزی همه‌ی اینها افشاء شود و شما و همدستانان به آنها جواب بدهید.

فکر می‌کنم جنایتهایی که شماها در حق مردمان این سرزمین انجام داده‌اید در زمان مغول هم اتفاق نیفتاده است. نه با مظلوم‌نمایی و نه با معذرت‌خواهی چیزی را نمی‌توان عوض کرد.

به امید روزی که در یک دادگاه مردمی و در جلو دوربین‌های تلویزیون همه شما به جنایتهایی که در حق مردم انجام داده‌ید به سخن آید و مردم شاهد آن باشند.

سرنگون باد رژیم چهل و جنایت جمهوری اسلامی

برقرار باد عدالت و برابری

بشیر

31.1.2011



له يه كى له ساپته كوردپه كان چهوم كهفته مه تله ب كوتايك له ژېر ناو، ته له فزبونيكى كوردى فيلمى رووت لى ئهدات؛ و فره وه ته شهرو تانه وه ئېراد لهو كاناله تلفيزونيه گرد كه ئهرا بايهد فيلم لوخت يا وه قهول نهو رووت په خش بكهيت چويكه ئيمه كورديم و خاوون كولتوريم!! يا ههر وهخت باس له دين يا له حقوق ژن كرپهت فهورى وه ته پل و كه ره نا هاوار .كهن كه ئيمه كورديم چوى بايهد باس له حقوق ژن بكهيم يا ناو دين وه خراو بوهيم و فره چيستتر

هاوولتايه يل نهزير

ئيمه راسه كورديم و هاشايچ له كورد بيين خوه مان نهيريم، وه لى نازانم ئهرا بايهد له ولات كورده وارى گشت نازاديه تاكه كه سبه كان مه حدود بكرپه و باس له لپان نه كهيم؟ مه گهر ئيمه له كومه لگاي به شه له روى سه رزه وى نهيم؟ ئيمه نه گهر سه دان سالاه بى دهوله تيم وه لى به شه بيمنه و له كومه لگاي به شه رى ژيان كرديمه و ژيانچ كه يم. نه گهر جور ئايين باس بكهيم كه ئيستا له كوردستان باشور فره بيه سه جى مشت و مر مه لكان و چين رهوشه ن فكر، كه لهو به شه نمونه كانى له چن پروژ گوزه شته ديمنه و ههر وهخت باس له نازادى ژن كه ن يان باس له نه وه كه ن كه ئايين بيه سه به ربه ست ئهرا نازادى ژن له كوردستان، فهورى هاوار له مه لكانوه هه لسى و نه وان وه كافر و بى دين و دوژمن خوا !!!دهن له فه لهم و ويشن ئيمه كورديم چوى بايهد ئى باسگه له له ناو كومه لگاي كورده وارى بكرپهت تازه وه نه وه بچوه ناوسين و ويشن ئيمه ده فاع له خوا كه يم!!! ئه ئ نازانم خوا ئيقه ره قادر و موته قه كه س يا گروه ئهرا چه يه ده فاع له لى بكه ئ؟ من ويشم زياتر له 30 وولات عره بى هه ن كه گشتيان موسه لمانن و قورئايچ وه زوان خوه يانه و له كاكى كورديچ خاستر له لى هالى بوون زوان باو باپيره ئ خوه يانه سه دان سالاه ههر وهو زوانه خوه ندنه و نويسانه، ههم ديسكو دپرن ههم ژن لوخت و مهى خانه دپرن و هه زاران چشتتر، ئه ئ نازانم ئهرا مه لا يا شيخ عره بيك هاوار ناكه ئ بويشى ئيمه عره بيم و كولتور دپريم و ناوت ئى چشتگه له له ناومان بووت و ولاته كه مان كافر بووت؟؟ كام لهو ولاته عره بيانه له ناويان ولات عره بستان سعوديج تلفيزونه كانيان فيلم په خش ناكه ن كه له خته گه ل لوختيچ له تى بووت؟

وه پرواى من دو چشت توانى هان دهر بووت يا ده ليل بووت ئهرا نه وه يكه بازىك له مه لكان ناو كومه لگا كورده وارى كه دايمه چه وپان هه ل ناتى كه مروف كورد چه ژن چه پياگ جور كومه لگاي به شه رى وه نازادى بزيهت، يه كمپان فكر كه ن دين ئسلام له ئاسمانگ هانگه سه خواڤ و كه س خه وه ر له لى نه پرى و كفتگه سه باوش ملهت كورد و ميراس دارى نه وانن و بايهد خاوندارى له لى بكه ن، تازه نه گه ريچ وه بچوره فكر بكه ن خو هويچ له دينه كه كه م ناوتوه نه گهر ژن جور خوه ئ له كومه لگاي نازاد بووت، ده ليل دوم نه وه سه كه لاژهن دهره كى كه چه وپان هه ل ناتپته نازادى ملهت كوردا هان دهرپان بوون ئهرا گيره .شيونى و ئالوز كردن كومه لگاي كورده وارى

له پيدا دو رى كه فته وه ر ده م تاكى كورد و حكومهت هه ريم

ههر نه وچوره يكه وه تم ولاتگه ل عره بى دوينيمن كه ههم ديسكو دپرن، ههم بار و مهى خانه و دپرن وه لى ده سه لات نجاهه وه هويچ مه لا و شيخيك نايه يت ده خالهت له قانون بكه ئ و رى و رنجه ئهراقانون دايرشنى

دين كار خوه ئ كه پت و مه ردميچ كار خوه يان كه ن و هويچ كامپان له ته زاد وه ل يه ك نيهن. په س ئيمه چه بايهد بكه يم؟ وه زيفه ئ حكومهت هه ريم چه س له ي بواره؟؟

وه باوهر من وه رجه هه رچشتيک وه زيفه ئ ملى و ئنسانى حكومهت هه ريمه كه نجاهه نيتهت كه هويچ ديندارىك يان بى دينيک بايت ده خالهت له ژيان ئنسانه كان بكه يت. ئنسانه كان چه ژن چه پياگ خوه يان خاوون پريان چوى ژيان بكه ن. وه باوهر من ههر كومه لگايك ئحتياجه وه نه وه يكه ئنسانه كانى نازاد فكر بكه نوه و كه سپيچ رى گر له لپان نهوت چويكه نه گهر وه بچوره نهوت نهو كومه لگايه ناتوانى كومه لگايكى

موه فیهق بووت و دونیای دهریچ وه چهو سوکیکوه تماشای کهیت. کومه لگایک نه گهر گونجایش نازادیه تاکه که سیه کان نه پاشتوت چوی توانی وهل کومه لگایک نیمروژی دونیا یا بچوته نواوه؟؟؟

وه زیغه تاک کوردیچ نه وه سه وه باوهر من باید له ته شهر و تانه باک نه پاشتون و ته سلیم کونه پهرهستی و دوباکه فتگی نهون، باوهر وه نازادی داشتون و کار نه برای بکهن. با گشت ههول بیهیم که دین بکهیمه نهمر خسوسی نسانه کان و نه پلیم له ژیان کومه لگاه ده خالهت بکهیت، نه گهر وه یجوره بکهیم ههم هورمهت دینه که مینپوه و ههم کومه لگایچ وه ناسودهی ژیان خوه پان کهن. له فرمان نه چوت فره له مهلا و ناخونگه له ئی جور فتواگه لیک دهن و نهرا مهردم ههرامی کهن وه لئی هزاران دکومنت له لیان که فتگه سه دهس که خوه پان خهریک چهن. که من ههر له پردا چهن لینکیک نهرا خوه نه رهیل نه زیز خهمه ژیر ئی مه تله به با بزانیم نه گهر چشتیک ههرامه یا خراوه ئی خوه پان نهرا شه و روژ خهریکن.

ئییه نهو توزه فیلمه سه که گوایا تلفیزیونیکی کوردی په خشی کردگه

http://www.youtube.com/watch?v=8JnZRvWKCUM&feature=player_embedded

ئییه چه به کی لهو فیلمگه له سه که ها ناو یوتوب و مه لایکی فره موهیمه..... ئیه جارتکیچ له سایت دهنگی سه ره خو ولا بیوه

<http://www.youtube.com/watch?v=RhJ-P5WQhKE&feature=related>

ئییه چه فیلمیک له به کی له اخونه کان ئیران که گوایا ئیمام جومهت شار نویسراکه

http://www.youtube.com/watch?v=imE1IKL_syw

تجاوز رئیس حوزه ورامین به يك دختر طلبه

<http://www.youtube.com/watch?v=LJmm4YW2NxE&feature=related>

:ئى ناخون پیریچه تماشاه بکهن

<http://www.youtube.com/watch?v=IDvN0bzJaYE&feature=related>

<http://www.youtube.com/watch?v=Gci1nyrfsKc>

فسه ئی خانمیچه بشنه فن و هزاران سه ند گویا تر

<http://www.youtube.com/watch?v=gtsxUCNAnXQ&feature=related>

پهس بایم نه تیجه بگریم که نه وانه یکه نه سیحهت ئیمه کهن خوه پان چه کهن؟؟؟؟

وهل ریز

به شیر

21.1.2011



بشیر امیرخانی

اهانت روزنامه جمهوری اسلامی و موضع احزاب کردی در این رابطه

دوستان و خوانندگان گرامی، آنچه در این مطلب می خوانید، تنها نظر شخصی من است و هیچ ربطی به جنبش دمکراتیک یارسان ندارد، شاید دوستانم در ج د ی با این مطلب مخالف نیز باشند ولی من بشخص ترجیح می دهم در این باره سکوت نکنم.

بیشتر خوانندگان ارجمند اطلاع دارند که روزنامه بی پرنسیب جمهوری اسلامی در تاریخ ۹ تیر ماه در صفحه ۹ روزنامه‌شان، توهین‌ها و تهمت‌های دور از شئون انسانی نسبت به باورهای مردم یارسان منتشر کرده بود.

بعد از دریافت این خبر سایت جنبش دمکراتیک یارسان آن را به طور وسیع انعکاس داد و مقالات و اعتراضیه‌های متعددی نیز در این رابطه نوشته شد. بر هیچ کس پوشیده نیست که رژیم ولایت فقیه حتی تحمل نزدیکترین کسان خود را ندارد، چون وصیتی است که از اولین رهبر انقلاب برای بازماندگان باقیمانده است و تحت خط مشی و افکار قرون وسطائی بود که این رهبر نزدیکترین و در واقع دست راست خود، یعنی آیت الله منتظری را از معاونت خود خلع کرد و گفت هر کسی از ما نیست بر ما ست و قتل او طبق گفته قرآن واجب است. (نقل بمعنی) پس ما تا اینجا نه انتظاری از این رژیم جنایت پیشه داشته‌ایم و نه خواهیم داشت. لذا به باور من، همیشه مبارزه با این رژیم و افکارش برای ما یک امر مقدس بوده است و خواهد بود. دو نکته از نظر من در این برهه از زمان حائز اهمیت بوده و هست که باید در اینجا به آن اشاره کنم: یکی قلم بدستان یارسانی است که بعضی وقتها قلم‌هایشان را بی هدف در تاریکی رها می کنند و بی پروا هرچه را که از قلمشان بر آید می نویسند، اما متأسفانه گویا در این رابطه قلم‌هایشان خالی از مرکب شده بود. ثانیاً کسانی هستند که در حالت عادی خود را قیم مردم یارسان می دانند ولی در این موقع نه گفتار و نه مطلبی از آنها بروز نیافت. یادآوری این دو نکته را لازم دانستم. اما بحث من در واقع چیز دیگری است. در این ایام من به شخصه تا آنجایی که دسترسی داشتم مقاله چاپ شده در روزنامه جمهوری اسلامی را برای احزاب و سایت‌های کردستانی فرستادم و از آنها درخواست نمودم که وظیفه ملی و انسانی بر آنها حکم می کند که در این رابطه ساکت ننشینند و موضع گیری کنند. ولی با تأسف باید بگویم که بیشترین آنها سکوت اختیار کردند. عجیب است؟ اما بی خیال از اینکه ما بیش از سی سال است که با همین جریان‌های سرکار داریم و کاملاً آنها را می شناسیم و اینها هم به قول خود مردم یارسان را به خوبی می شناسند. همه ما بخوبی میدانیم که رژیم جمهوری اسلامی بزرگترین دشمن ملت ایران از جمله، اقلیت‌های ملی و آئینی است و برای سرکوب این مردمان بهر وسیله ای متوصل می شوند. این است که تعجب مرا بر می انگیزد که در بین احزاب کردستانی تنها چهار حزب شجاعانه و مسئولانه به این مسئله برخورد کرده اند و توهینات روزنامه مذکور را محکوم نموده اند. ۱. حزب حیات کردستان پژاک ۲. پارت سربره‌ست کردستان ۳. حزب آزاد کردستان پاک و سپای رزگاری کردستان. نگارنده به نوبه خود از این چهار حزب کمال قدر دانی و سپاسگذاری را دارد و موضع شجاعانه و مسئولانه آنها را می ستاید و بی گمان مردم یارسان هیچ وقت آن را فراموش نمی کنند.

برای من مسلم است که این رژیم دشمن همه ما ست، هنگامی که پیش نماز محترم سنی مذهب کرمانشان مرحوم ملا ربیعی توسط مأموران جمهوری اسلامی کشته شد، بسیاری از قلم به دست یارسانی، بوظیفه خود عمل کردند و می دانستند که این شتر در خانه همه اقلیتها در ایران خواهد خوابید و ما وظیفه خود می دانستیم که از حق دفاع کنیم. اینکه اکثر احزاب کردستانی که دارای سایت‌های مختلف و تلویزیون نیز هستند، کوچکترین اعتراضی به این مسئله نکردند، باعث تأسف است و من دو دلیل را می توانم در این رابطه ذکر کنم! بنظر من یک سکوت به معنای تایید و دوم سکوت به معنای بی توجهی به این مردم است. لذا ما از این احزاب کردستانی می خواهیم بیشتر به این نکات حساس توجه کنند و مردم یارسان را که قدیمی ترین و مهمترین بخش از ملت کرد هستند و به قول خواننده نامدار کرد، ناصر رزازی، آئین یاری یک آئین قدیم است و آئین

همه کردان است، نادیده نگیرند. در قاموس مردم یارسان انتقام جوئی جائی ندارد و ما نیز نمی گوئیم که مردم یارسان با این جریانات چه در حال و چه در آینده تعیین تکلیف کنند. نمی دانم به باور من به بیشتر از چهار میلیون انسان توهین شده، آنهم توهینی که دور از شئون انسانی و اخلاقی است. مردمانی که بخش مهمی از جامعه تحت ستم کرد هستند و بیشتر احزاب روی نیروی آنها برای آینده حساب می کنند و در آمار حد اقل برای کردستان ایران آنها را به شمار می آورند. پس ما نباید در باره بخشی از ملت خود یا به کوردی نه توهوی بن دهست کرد در کردستان، کم توجه باشیم. یعنی نباید در مقابل این همه توهینات به بخش عظیمی از همین نه توهو سکوت اختیار کنیم!

این توهیناتی که به مردم یارسان شده است در واقع تنها مردم یارسان را شامل نمی شود، به انسانیت توهین شده است، به آزادی و یکسانی توهین شده است. حرف من خطاب به همه احزاب کردستانی و ایرانی این است که مگر شما برای آزادی و یکسانی و برابری مبارزه نمی کنید؟ مگر شما برای رفع ستم بر اقلیتهای داخل ایران مبارزه نمی کنید؟ مگر شما بر علیه یک حکومت فاشیستی در دوران ما یعنی رژیم جمهوری اسلامی مبارزه نمی کنید؟ پس چه چیزی باعث شده که در مقابل اهانتهای روزنامه بی مسئولیت جمهوری اسلامی سکوت اختیار کرده اید؟!

در پایان این مطلب از مردم یارسان تقاضا دارم که همان مسئله کس نخارد پشت من جزء ناخن انگشت من را روی تابلوی بنویسند و بروی دیوار خانه هایشان آویزان کنند و روزی یکبار آن را بخوانند.

به امید آزادی ایران زمین از چنگال کفتار صفتان دوران

بشیر امیرخانی ۱۴،۷،۲۰۱۰



رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی هیچ

دگر اندیشی را نپذیرفته و نمی پذیرد

هموطنان گرامی، یارسانیان مبارز و مقاوم، در تاریخ ۹ تیر ۱۳۸۹ یعنی چند روز پیش روزنامه‌ی منفور جمهوری اسلامی که زبان حال ولی فقیه و رژیم قرون وسطائی اش است، مثل همیشه چهره زشت و کریه خود را به مردم یارسان نشان داد.

سی سال از حکومت ننگین جمهوری اسلامی در ایران می گذرد. انقلاب سال ۱۳۵۷ به خیال مردم ملت‌های ایران، انقلابی است که آنها می توانند در سایه‌ی آن به حقوق انسانی و آسایش برسند، غافل از این که ماموریت رژیم جمهوری اسلامی و سردم دارانش نابودی مردمان ملت‌های ایران، فرهنگ و حتا طبیعت سرزمین کهن ایران است. هدف رژیم، بهبود بخشیدن به رفاه عمومی نبوده و نیست. جنایتی که این رژیم طی سی سال حکومت ننگینش انجام داده، ایران را به قرن‌ها عقب برگردانده است. مردمان ملت‌های ایران با تمدن هزاران ساله‌ی خویش، اکنون در چشم جهانیان به عنوان تروریست دیده می شوند، یک ایرانی از خود شرم می کند، بگوید ایرانی هستم، زیرا با به زبان آوردن "ایرانی هستم" به چشم یک تروریست به او نگاه می کنند، این است آن بهره‌ی آن که نصیب مردمان خلق‌های ایران شده است. "حکومت عدل علی یا ولایت فقیه"؟ همه می دانیم که این رژیم به نزدیکترین کسان خود (مانند گنجی، حجاریان، سروش و غیره) که زمانی آنها تروریستین رژیم و هم شکنجه‌گر بودند رحم نکرده و نمی کند، پس باید نتیجه بگیریم که هدف رژیم جدا از حفظ بقایای نامیمون و شوم خود کمر به نابودی فرهنگ ایرانی و آئین‌های مردمان داخل این مملکت را بسته است. طی سی سال مردم یارسان یکی از قربانیان این رژیم جنایت پیشه بوده‌اند. آنها هیچگاه در اماکن عمومی و یا ادارات دولتی جرات اظهار هویت خود نکرده و نمی توانند بگویند که مسلمان نیستند، هنوز زخم و ظلم‌های موحدی قمی، حاجی تهماسبی، خالخالی و ملا حسنی و

امثال آنها بر تن و روح یارسانیان در ایران التیام نیافته است که ایادی و دست اندرکاران رژیم مجدداً نغمه‌های شومشان را سر کرده‌اند، همچنانکه در بالا ذکر شد، اخیراً روزنامه (جمهوری اسلامی) زبان حال رژیم ولایت فقیه در مقاله‌ای موهن و مبتذل در مورخه ۹ تیر ۱۳۸۹ تحت عنوان متون تحریف شده یهودی، عامل نهله‌های شیطانی، اهل حقان ایران را متهم به اشتراکی بودن زنانشان، فحش‌ها و غیره نموده‌اند. حال باید از همین دست اندرکاران روزنامه جمهوری اسلامی پرسید، اسلامی که شما با نام آن سی سال است مردمان ملت‌های ایران را اعدام، و شکنجه می‌کنید، در طول ظهور نامبارک اش غیر از فلاکت چه ارمغانی برای مردم شیعه داشته است تا برای بقیه ایرانیان داشته باشد؟ مگر همین شما نمایندگان جمهوری اسلامی نبوده و نیستید که سی سال است در شکنجه‌گاه‌هایتان به زنان و مردان و کودکان این مرز و بوم تجاوز می‌کنید؟ مگر تا بحال شما به آخوندهای کثیف و مأموران صاحب زمانتان برای تجاوز به دختران و زنان دگر اندیش در زندانها چراغ سبز نشان نداده اید؟! مگر شماها کر و کور هستید؟ مصاحبه‌های بریدگان از رژیم خود را گوش نکرده‌ید؟ اخیراً در کهریزک زیر نظر مولایتان خامنه‌ای چه تجاوزهایی به زندانیان زن و مرد که نشده؟! این است آن اسلامی که در روزنامه‌تان از خیر و برکت آن دم می‌زنید؟ به شما سردبیر روزنامه کیهان (یا روزنامه جمهوری اسلامی) و مقامات ریز و درشت رژیمتان باید گفت که بر خلاف نظریه اسلامی شما مردم یارسان پیرو با ارزش ترین و پاک‌هایترین آئینی هستید که در طول تاریخ در سر زمینهای خاورمیانه زندگی کرده‌اند. آیین یارسان یا به قول شما اهل حق هیچ وقت حکم به تجاوز، سنگسار و شکنجه و غارت اموال کسی نداده است، آیین یاری خواهان برابری طلبی در زمانی بوده است که تا اوایل قرن بیستم در کمتر کشورهای دمکراتیک جهان وجود داشت. آیین یاری خواهان زندگی مسالمت آمیز با سایر ادیان در سرزمین پهناور ایران و جاهای دیگر است. نه مردم یارسان و نه مردمان ملت‌های ایران بیش از این از مقاله نویسان و گردانندگان روزنامه بدنامتان و رژیمتان انتظاری ندارند، چون مردمان ملت‌های ایران از جمله یارسانیان نه کر هستند و نه کور. ما حکومت ننگین سی سالتان را خوب تجربه کرده ایم و تنها یک راه حل برای مردم و ملت‌های سرزمین ایران از جمله یارسانیان باقی مانده است، آن هم کوشش برای سرنگونی پلیدترین رژیم دوران یعنی رژیم جمهوری اسلامی.

بی شک بی هورمتی روزنامه جمهوری اسلامی تنها نظر این روزنامه نیست، بلکه هدفمند مقامات ریز و درشت این رژیم در پشت آن هستند، سی سال است که برای اسلامیزه کردن این مرز و بوم از هیچ شقاوتی دریغ نکرده‌اند، اکنون با طرح چنین ادعاهای پوچ و بی ارزشی که هیچ سندی دال بر اثبات گفته‌هایشان را ارائه نداده‌اند، همچون سایر اقلیتهای آئینی در ایران از جمله هموطنان بهایی، مسیحی، زردشتی، و کلدانی که هر ساله به بهانه‌های واحی عده‌ای از آنان را زندانی و اعدام میکنند، اینبار نیز میخواهند عده‌ای نیز از مردم بیگناه یارسان نیز را به همان سرنوشت دچار کنند.

بر اساتید یارسانی، قلم بدستان یارسانی و تمام مردم یارسان لازم است که بیش از این سکوت نکنند و ساکت ننشینند، تحقیر تا کی؟ بی حرمتی و توهین تا کی؟ باید با تمام قوا در برابر ترفندهای این رژیم ایستاد، و بیشتر از این اجازه ندهیم که هر کس و ناکسی به مقدسات بیش از سه میلیون انسان توهین کند. در پایان از همه یارسانیان تقاضا داریم که احساساتی برخورد نکنند و خودرا در دام گسترده رژیم گرفتار نسازند. راههای قانونی زیادی برای دفاع از حق و حقوق انسانی از قبیل؛ آئینی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وجود دارند و بالاترین اسلحه علیه این قرون وسطائیان آگاهی و کوشش در برا گیری است. اگر ما همه به حق و حقوق خود آگاه باشیم بدون شک رژیم‌های مستبده را به زانو در خواهیم آورد. به امید پیروزی و سرنگونی هر رژیم جنایتکار و دیکتاتوری نظیر جمهوری اسلامی

سرفراز و سربلند باد فرهنگ و ارزشهای یارسانی

بشیر امیرخانی

8.7.2010



آیا خود مقامات کنونی رژیم مشکلات روحی دارند

یا دیپلماتهایی که از صف رژیم خارج شده‌اند؟!

طی سی سال حکومت ننگین جمهوری اسلامی، با اشتباهات فاحش و ضد ایرانی خود ایران را 150 سال و یا شاید بیش از دو قرن به عقب برگردانده‌اند اما به خیال خودشان هیچوقت مقام‌های بالای این رژیم دچار اشتبا نشده و به قول آنها همه‌ی بلاهایی که بر سر ملت‌ها و سرزمین ایران وارد کرده‌اند کار اسرائیل یا امریکا بوده و یا بالاخره مقصر را مردم دانسته‌اند. همه می‌دانیم که مصعب اصلی همه بدبختیها و بعقب بر گرداندن مردمان و سرزمین ایران طی این سی سال غیر از دست اندرکاران این رژیم کسی دیگری نبوده و نیست، ولی چون اینها خود را نماینده خدا بر روی زمین می‌دانند و نماینده خدا هم هیچوقت اشتبا نمی‌کند(!)، پس آنها میرا از همه ناپاکیها هستند مثلا دزدیدن رأی‌ها، ویرانی اقتصادی، اعدام، شکنجه و سنگسار کار امریکا و اسرائیل است!! بعد از خیزش مردمان ملت‌های ایران در همین اواخر و در زمان انتخابات ریاست جمهوری، وضعیت رژیم دگرگون شد و بحران داخلی و بین‌المللی دامن‌گیرش گردید. خیمه شب‌بازهای کودکانه احمدی‌نژاد که گاهی با سخنان بی‌سر و پایش سرزمین اسرائیل را نابود می‌کند و گاهی دم از نقض حقوق بشر در غرب می‌زند، نتوانسته دردی از هزاران درد این رژیم را درمان کند. در کنار بیکاری و فقر، اعتیاد جوانان (دختر و پسر) نیز یکی دیگر از مشکلاتی است که در چند سال اخیر بعنوان یک معضل اجتماعی برای میلیون‌ها خانواده بوجود آمده است. باندها و گروه‌های رسمی خرید و فروش و توزیع مواد مخدر جمهوری اسلامی از همان سال‌های اول با دو هدف اقتصادی و سیاسی نقش اصلی را در اعتیاد مردم داشته و دارند. در همین رابطه گفته می‌شود که تنها طی چهار سال گذشته رشد اعتیاد زنان سه برابر مردان بوده و در حال حاضر بر اساس آمارهای مختلف تعداد زیادتری از معتادان کشور را زنان تشکیل می‌دهند.

خیزش انفجاری مردم بخصوص جوانان و زنان در خرداد سال ۱۳۸۸ که برای مدت طولانی تیتراژ خبری بزرگترین رسانه‌های جهانی بود، خشم فروخورده سی ساله مردم از شرایط عینی زندگی آنها بود. دیکتاتوری و سرکوب یک شاخص سیاسی و تاریخی در کشور ما است. ولی هرگز در هیچ دوره‌ای از تاریخ سرکوب، زندان، شکنجه، اعدام و ترور مبارزان، زنان، دانشجویان، روزنامه‌نگاران، معلمان و روشنفکران چنین ابعادی نداشته است. سرکوبی که در طول سی سال اخیر در ایران اعمال می‌شود را نمی‌توان از مذهب و اسلام سیاسی که دشمنی ایدئولوژیک با آزادی و حق و حقوق انسانی مردم دارد جدا کرد. اما به هیچ وجه نمی‌توان خیزش اخیر مردم را تنها به بعد سیاسی و سرکوب محدود کرد. وضعیت اقتصادی مردم، افزایش سرسام‌آور قیمت کالاهای مورد نیاز، نرخ بیکاری بیش از اندازه افزایش تعداد کودکان کارگر خیابانی، افزایش تن‌فروشی و بطور کلی فقر و تهیدستی زمینه دیگر خشم و خیزش مردم بود.

ارزیابی از روحیات مردم، آمادگی و توانائی آنها در مقابل دستگاه پیچیده و چندگانه سرکوب. این موضوع زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهد که مردم بدون هیچ تشکل و رهبری و تنها با فداکاری و از خود گذشتگی در مقابل سرکوب وحشیانه این رژیم بپاخاستند.

حضور کم‌نظیر، بی‌سابقه و شجاعانه زنان که تعجب مردم جهان را بدنبال داشت، اوج نارضایتی زنان از شرایط موجود و برابری طلبی آنان را بار دیگر پس از بهمن ۵۷ برای فعالین سیاسی، احزاب و گروه‌ها یاد آور شد. بطوریکه پس از این حوادث، در تمام بیانیه‌ها، فراخوانها و اطلاعیه‌ها مسائل زنان، حق و حقوق آنها پررنگتر شد. اینها همه ناشی از ضد انسانی و ضد ایرانی بودن این رژیم

است. پس از اینجا نتیجه می گیریم که ضمن تحلیل این همه بدبختیها، نشان می دهد که چه کس یا کسانی مشکل روحی دارند. چه کسانی کمر به نابودی فرهنگ و سرزمین ایران بسته‌اند، فرهنگی که در ۱۴۰۰ سال پیش با یورش اعراب جرعه‌ی نابودیش شروع شد و امروزه و در واقع با به سر کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی در ایران برای تکمیل این پروژه از هیچ کوششی فروگذار نکرده و نمی کنند.

برای اینکه از موضوع بحث خارج نشوم به اصل قضیه یا مطلب برمی گردم. با اوج اعتراضات مردمی، دست اندرکاران رژیم از جمله خامنه‌ای و احمدی نژاد برای یک دست کردن قدرت و زیر کنترل درآوردن سپاه و بسیج و غیره از هیچ کوششی فروگذار نکرده‌اند و کماکان سعی آنان بر قبضه کردن قدرت است. اما دستگاه دیپلماسی رژیم از این بحران در امان نبود، دیدیم که طی یک اقدام شجاعانه یک دیپلمات رژیم، در نروژ برای نشان دادن حمایتش از اعتراضات مردم ایران استعفاء داد و به قول خودش به جنبش مردمی پیوست، بدنیاال آن دیپلماتهای دیگری از فنلاند و بلژیک اقدام مشابهی کردند و به صف جنبش مردمی پیوستند.

من به نوبه خودو به عنوان فردی ساده از جامعه عقب نگه‌داشته شده کرد که در سنین جوانی از مملکت فراری و آواره شده ام و بدون داشتن هیچ ادعائی کار این دیپلماتها را می ستایم و به آنان دست مریزاد می گویم که بالاخره تحمل این همه ناعدالتیهای این رژیم را نداشتند. امید است که بقیه دستگاه دیپلماسی رژیم بیشتر از این به عمر ننگین جمهوری اسلامی کمک نکنند و تا دیر نشده است صف مردم بپا خاسته را انتخاب نمایند.

اما چند روز پیش در مجلس رژیم چه گذشت: عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس رژیم در اظهار نظری درباره پناهنده شدن برخی از دیپلمات‌های ایرانی به کشورهای اروپایی دلیل پناهندگی این دیپلمات‌های رژیم جمهوری اسلامی را داشتن مشکلات روحی عنوان کرد! به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا، محمد کرمی راد، این عضو کمیسیون مجلس، در این باره افزود: از دیدگاه بنده مشکلات شخصی، فردی و نفسانی این دیپلمات‌ها دلیل اصلی پناهندگی‌شان است. اشاره وی به سه دیپلمات ایرانی است که به نشانه اعتراض به سرکوب‌های پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران از سمت خود استعفا داده‌اند. فرزاد فرهنگیان، رایزن دوم سفارت ایران در بروکسل، پایتخت بلژیک، که روز جمعه گذشته استعفا کرد و راهی اسلو، پایتخت نروژ، شد، سومین دیپلمات پناهنده ایرانی است. به فرض این که آقای کرمی، عضو کمیسیون امنیت ملی، درست بگوید! که خنده دار است. اما هر انسان دمکراتی از خودش می پرسد، اگر این طور است، پس چرا گردانندگان این رژیم چنین افراد از نظر روحی مشکل داری را! به عنوان نماینده خود بکشورهای خارج می فرستند؟! آیا همه روشنفکران ایران هم مشکل روحی دارند که باوصف در آمد خوب و شغل عالی مملکت را رها کرده و از چنگ این جانپان فرار می کنند؟!

محمدرضا حیدری، از سفارت ایران در نروژ، و حسین علیزاده، از سفارت ایران در فنلاند، دو نفری بودند که پیش از آقای فرهنگیان از مسئولیت خود استعفا کردند. این دیپلماتها از یک نظر مشکل روحی داشتند آنهم این بود که چون در واقع رهبر و رئیس جمهور ایران دچار مشکلات روحی شده‌اند و بی پروا با تمام توان می کوشند مردمان ملت‌های ایران را بی عقل و بیمار قلمداد کنند، دیگر توان ادامه همکاری با این رژیم را کنار گذاشته و به صف مردم پیوستند.

اگر اشتباه نکنم یک ماه پیش بود که خامنه‌ای نیز طی یک اقدام فرار به جلو گفت من نماینده خدا بر روی زمین هستم و اطاعت از من از احکام شرعی است. ببینید اینها تا چه اندازه، مردم را نادان و عقب افتاده می پندارند، که هیچ کس بر آنها یعنی مقامات رژیم برتری ندارد و هرکس بر بر آنهاست یا کم عقل یا مشکل روحی دارد. وادار کردن و به صفه‌ی تلویزیون آوردن سکینه محمدی آشتیانی نیز یکی از مشکلات روحی دست اندرکاران رژیم است که مثل مار زخمی سرشان را به هرچایی می کوبند. در مورد سه آمریکایی زندانی که سال پیش در کردستان عراق توسط مامورین ایران به شکل مرموزی دستگیر شدند، قوه قضائیه رژیم اعلام کرد که اینها جاسوس هستند؟! و در قوانین جمهوری اسلامی نیز مشخص است کسی که جاسوس باشد جرمش چیست؟ اما دیدیم که دیروز

یکی از آنها به فرار وثیقه آزاد شد. پس نتیجه می‌گیریم که در واقع این مقامات کنونی رژیم از جمله رهبر و رئیس‌جمهورش است که مشکل روحی دارند نه دیپلماتهایی که به صف مردم پیوسته‌اند. امید است در آینده نزدیک شاهد ریزش هرچه بیشتر نیروهای این رژیم و پیوستن آنها به صف مردم باشیم چه دیپلمات و چه از سایر ارگانهای دیگر این رژیم. چون به قول پیشینیان تا دیر نشده بجنبید و راه این سه دیپلمات شرافتمند را انتخاب کنید که تاریخ و مردمان ایران در آینده در باره آنها و کسانیکه هنوز هدفمند به این رژیم جنایتکار خدمت می‌کنند قضاوت خواهد کرد.

بشیر فنلاند

۱۸،۹



هم‌مرای خوین نیدام کریاگه‌کان ئی ناخره وشک زه‌ویه حوسه‌ین خزری نیدام کریا

ئه‌وه حوسه‌ینچ نیدام کریا! نیمه‌یچ هر مه‌حکوم که‌یم! ویشیم بمری رژیم جمهوری ئسلامی. ئی خو کار نیمروژ و سوومان نیه، سی و یهک ساله هر ویشیم بمری جمهوری ئسلامی که بیه‌سه بایس به‌ده‌ختی و مال ویرانی گشت کومه‌لگای ئیران. وه‌لی جارک ئحزاب ئوپوزسیون له خوه‌یان ناپرسین له وه‌رانوه‌ر ئی نیدام و زولم و زوره که رژیم جنه‌به‌تکار جمهوری ئسلامی وه سه‌ر مردم ئیران تیرته‌هت، ئیان چه توان بکه‌ن؟ چوی دهرس ناگرن و لان کهم خوین وه ناحق رشیاگ ئیدامیه‌کان بکه‌نه زامن ئتحداد و یهک گردن!!

حوسه‌ین نیدام کریا و سو بی گومان حه‌یب الله و ده‌هایتر ها رپوه!!

نیمه چه که‌یم؟ گشت حزبه ئوپوزسیونه‌کان وه چه‌پ و پراسوه وه کورد و فارسو ئهره‌ب و نازهری و به‌لوچ و شوئار شیرین و گوش که‌ر که‌ر و دموکراسی خوازی دهن؟ فره سه‌پره!!! ئه‌ئ‌باشه‌د ئی ههمکه شوئار زهرینه ئه‌را یهک جار ناتوانی بوته شوئار یهک گردن و یهک ده‌نگی له وه‌رانوه‌ر قاتله‌کان، که‌یانوش، ندا، فهرزاد، حوسه‌ین و

یه‌ک‌گردن نه وه مانای قه‌بوّل کردن ئایدولوژیک یه‌کتر، به‌لکه وه مانای یهک ده‌ستی و یه‌ک‌پزی له وه‌رانوه‌ر ئی جنایه‌تکارگه‌له که دی که‌م له لیمان نیدام که‌ن. باشه‌د نیمه‌ئ ئوپوزسیون توایم ئیران له شهر رژیم پاک بکه‌یمووه!! ئه‌ئ مه‌گه‌ر قه‌رار نیه ئه‌را ئداره کردن ئاینده‌ئ ئیران وه‌ل یهک له ناو یهک حکومت و یهک پارلمان کار بکه‌یم؟ ئه‌و وه‌خته دی دوژمنیک نیه با هر یهک ده‌نگیچ بیمن! ئه‌ئ ئیسه ئه‌را ئه‌و یهک بین ناو پارلمان ئاینده و ده‌ولت ئاینده ئه‌مه‌لی نه‌که‌یم! چه چستی ری گره؟ ده‌سه‌لات خه‌یالی؟ قودره‌ت؟ مه‌نافه‌ع؟ یا نه‌زانی؟ ری یا کینه‌؟

من ویشم گشتی ئیانه ده‌س دانه‌سه ده‌س یهک که نه‌یلی ئی ئتحداده ئه‌مه‌لی بووت. من هاهمه ولانی نماینده‌ئ ئه‌کسه‌ر حزبه‌کان له‌پره هه‌ن، کار ته‌شکیلاتی که‌ن و توان نازادی ئه‌را ولاته‌که‌یان وه ده‌س بارن!!! وه‌لی هوچکامیان هازر نیه‌ن بان له یهک جه‌له‌سه وه‌ل یهک دانیشن و له سه‌ر چوپینه‌تی ئی نازادیه قسه بکه‌ن!!! ئیه ولات ته‌مه‌دون و دموکراسیه نیمه هایمه‌تی که چه قسه‌ئ یهک قه‌بوّل ناکه‌یم و وه هه‌ره‌شه و گوره‌شه وه‌ل یهک قسه که‌یم، ئه‌ئ نه‌گه‌ر بکه‌فیمه ولات خوه‌مان و کلاشینکوفه هه‌پاته‌که بیه‌نه ده‌سمانوه‌؟ زانین دوستان ئه‌و وه‌خته چه قومئ!!!؟؟؟ گشت هه‌تمه‌ن زانیم چه قومئ، خوین لاه به‌یت و بکوش بکوشه.

حوسه‌ین خزری نیدام کریا:

حوسه‌ین و هه‌زاران حوسه‌ین نیدام کریا و جمهوری ئسلامی وه ریشمان خه‌نی! چویکه نوقته‌ئ زه‌ئف نیمه په‌یدا کردگه، ناتواک یا ئحتیاج نه‌پری وه ناشکارا دوشمنایه‌تی ئوپوزسیون بکه‌یت چویکه مکانیزم دوشمنایه‌تی خود ئوپوزسیون له وه‌رانوه‌ر یهک به‌پته‌ئ کار، توهمه‌ت دهن له یهک، دوشمه‌نی وه‌ل یهک که‌ن، وه یهک خه‌ن و ویشن تو هوچ نیه‌ی من نماینده‌ئ مله‌تم!! سی و یهک ساله هوچ سازمان و

حزبیک رجوع نه کردنه سه نارائ ملهت تا بزائیم کی خاوهن دهنگه و کی نمایندهئ ملهته؟! حزبهکان خوهپان یرن و دویرن، جاریک له ملهت ناپرسن ئهئ ئیوه چه تواین؟! دوشمنایهتی یهک کهن پرس وه ملهت ناکه، دوسی کهن پرس وه ملهت ناکه و خوهپانیچ وه نمایندهئ ملهت ههساو کهن. نازانم ئی ههساو و کتاوه له کو تیرنهئ؟ فکر کهن مهردوم ههر ئه مهردوم سی سال پيشهسه وه هویچ له حزبهکان نازان؟؟؟ وه باوهر من نه، من ویشم تهک تهک حزبهکان هان له ژیر زهرهبین مهردوم. فره خاسه ههچی زویتر ئوپوزسیون ئیران بکهفنه خوهپان و خانه تهکانی بکهن و کینه و تهک رهوی فر بیهن و بان له دهور یهک ههول یهک پلاتفورم ئهرا سهرنگونی ئی رژیم جنایهتکاره کار بکهن وه یهکوه.

گشتمان دوینیم و دنیا تماشامان کهیت، حهتا ناتوانیم یا ناتوایم له پشتیوانی ئه وه مهردومه که ئیمه ئدعای نمایندهگیان دیرم و دیرن له لیان ئیدام کهن وه یهکوه بچیمه وهردهم لانه جاسوسییه کهئ جمهوری اسلامی له ولاتگهل ئروپایی و بوشیم دی بهسه، با ئه وه خته ولاتگهل ئروپایی بوینن که گشتمان یهک دهنگیم، وهختی ههرکهس ئهسپ خوهئ تاو دهئ و وه چهن نهفهره چوته ناو خهپاوانیکی ولاتیکی ئروپایی و تهزاورات کهیت، زانی ههر شاروهند ئه ولاتگهله چهنی وه پی خهنی و ویشی ئیه موخالفهکان جمهوری اسلامی هه گهر ههر ئیهسه با ههر بمینی. دوستان حزبیک یا ریکراویک باوهر وه خوهئ نه پاشت چوی توای جهماوهر باوهر وه پی بکهئ؟ تونس له وه رجه بگرم ملهت وه یه دهس و یهک دهنگ و وه پشتیوانی ئوپوزسیون رئیس جمهوره مادام العمره کهئ دهر کردن و ئیسه پهناگیچ ئهرا ئیه. تازه خو تونس جور جمهوری اسلامی ئاشکارا و روزانه چهن دین نهفهر له ناو خهپاوان ئیدام نه کرد.

من ویشم با ئوپوزسیون له شوون سی و یهک سال له خه بان و یهک بگرن، ئه گهر نه نه دونیای دهیشت جور ولاتگهل ئروپایی باوهر وه پتان دیرن وه نه جمهوری اسلامیچ وهئ ئاسانیه له بهین چووت و سی و یهک سالتر ههر وه پریشان خهن.

با گشتمان وه یهک دهنگ چه کورد و چه فارس و چه عرب و چه نازهری و یهقهئ ولاتگهل دنیا بگرم و بوشیم سهفاره تخانهکان جمهوری جاسوسی اسلامی له ولاته کانتان دهر کهن، ئهوان نمایندهئ ملهت ئیران نیهن بلکه ئیانه که سی و یهک ساله خوین دهن نمایندهئ ملهت ئیران. بی گومان ولاتگهل دنیاچ هانه شوون منافهئ ملی خوهپان ناتوان بان وهل کهسیک یان گرویک یان حزبیک مامهله و پهیمان بوهسن که نازان چهنی ملهت هه پشتی! وهلی وهختی گشت یهک دهنگ بیمن ئه وه خته توانیم وه پتان سابت بکهیم که نمایندهگی مهردوم ئیران ها دهس ئیمه تا ئه وهخت ئهوانیچ بتوانن وارد بازی و مامهلهئ سیاسی وهل ئوپوزسیون ئیران بوون. بی گومان تا ئی کاره نه کهیم جنایهتهکان جمهوری اسلامی له ئیران ههر ئداهه دیرئ و جمهوری اسلامیچ خوهئ وه خوهشحال زانی ئهرا ئه وهیکه ئی جور ئوپوزسیونیک دیرئ. له فکرمان نه چووت له ولات قرقیزستان ئنقلاب کریا و ئنقلابهکه وه رههبری خانم آتونباوا بی و رئیس جمهور سابق له ولات وه در نان، چهن ههفته پیش ئنتخابات بی و ئی خانمه که رههبری ئنقلاب وه دهسی بی له ئنتخابات شکهست خوارد، وهختی خه بهرنگار له لی پرسی تو که رههبری ئنقلاب کردی چوی ئیسه مهردوم رهئ وه پیت نه پانه و خوهت نه زهرت چهس؟ خانم آتونباوا کرده جواو وهت حتما مهردوم ته شخیس دانه که من ناتوانم یا لیاقت ئه وه نه ئیرم بومه رئیس ئی ولاته و منیچ احترام دیرم ئهرا رهئ مهردوم و چمه کنار وهلی ئه گهر دهولت داوا ئه هاوکاری له لیم کرد بی گومان ئی کاره کهم. !!! تماشای خوهمان بکهیم هویچکام له رههبران ئوپوزسیون نه گهریچ له ئنتخابات ناو حزبه کهئ خوهئ شکهست بخوهئ هازر نیه شکهست قه بول بکهئ ههر ویشی منم و ئیه تهقه لیبی بی. ئهئ ولات و کومه لگای و رههبران ناو کومه لگای ئیران تا کهئ فیئر ناون و له چوار دهوره که پان دهرس ناگرن؟؟؟

بمرئ ته فرهقه

بژی یهک گردن

وه ئومید یهک دهنگی و یهک دهستی گشت چین و کومه لگای ناو ئیران

نہمان تہرا رژیم جنایہ تکار جمہوری اسلامی

بڑی نازادی و پھکسانی

بہ شیر

18.1.2011